



رهنامه امین (۲۶)

اخلاق و تربیت

اندیشه و سلوک جوان مؤمن انقلابی از منظر
حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای (مدظله العالی)

مؤسسه پژوهشی فرهنگی



دفتر مطبوعه و نشر آمار حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای (مدظله العالی)

سرشناسه: اندیشه وسلوک جوان مومن انقلابی از منظر حضرت آیت الله العظمی خامنه ای

عنوان و نام پدیدآور:

مشخصات نشر: تهران، ۱۳۹۷، دفتر حفظ و نشر آثار مقام معظم رهبری

مشخصات ظاهری:

شابک:

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

یادداشت: کتابنامه:

موضوع: خامنه‌ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۱۸

موضوع: خامنه‌ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۱۸ - پیام‌ها و سخنرانی‌ها.

موضوع: خامنه‌ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۱۸

شناسه افزوده: موسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی

رده بندی کنگره:

رده بندی دیویی:

شماره کتابشناسی ملی:

ره‌نامه امین، ۲۶، اخلاق و تربیت

اندیشه وسلوک جوان مومن انقلابی از منظر حضرت آیت الله العظمی خامنه ای

انتشارات:

قیمت:

شمارگان:

فهرست

- پیشگفتار ۹
- آیات و روایات ۱۳
- درآمد ۱۵
- سرمشق ۱۷
- جایگاه و اهمیت تربیت ۲۱
- تربیت مقدم بر آموزش ۲۲
- انسان و تربیت ۲۳
- تربیت عدالت خواهانه ۲۴
- نقش معنویت در جذب جوان ۲۵
- خُلُقُهُ الْقُرْآن ۲۶
- احتیاج عقل به تربیت ۲۶
- تربیت دینی در عرصه های مختلف ۲۹
- تربیت دنیوی، مقدمه حیات اخروی ۲۹
- امام مصداق تربیت یافته دینی ۳۱
- تربیت اسلامی ۳۲
- تربیت دینی دانشجویان ۳۳
- لزوم متدین بار آوردن دانش آموزان ۳۳
- عوامل فردی موثر در تربیت ۳۵
- هوای نفس ۳۶
- حب دنیا ۳۷
- تکبر ۳۹
- حسد ۴۱
- ذکر و یاد خدا ۴۱

۴۲	تقوا و گناه
۴۳	قرائت آیات مربوط به قیامت
۴۵	عوامل خانوادگی موثر در تربیت
۴۶	نقش اساسی خانواده در تربیت نسل
۴۷	خانواده، اساس اصلاحات واقعی در جامعه
۴۷	انتقال فرهنگ در نتیجه تربیت صحیح خانواده
۴۸	اثر بی مبالاتی والدین
۴۹	جایگاه مادر
۴۹	رخنه در خانواده
۵۰	حفاظت و صیانت از اعضای خانواده
۵۰	عدالت خانوادگی
۵۳	اخلاق حرفه‌ای و نقش گروه‌ها و نهادها در اخلاق
۵۳	مسئولین
۵۴	دولت
۵۵	مجلس
۵۶	معلمان
۵۶	حوزه و دانشگاه
۵۷	رسانه
۵۸	لذت عاشقان
۵۸	نقش ذکر در تربیت
۶۳	خود سازی اخلاقی
۶۳	انجام واجبات، ترک محرمات
۶۴	لزوم توجه به خودسازی
۶۴	اهتمام جوانان به خودسازی
۶۵	توسل به شهدا
۶۷	واعظ درونی

- ۶۷..... جلب دل‌های مردم با اخلاق حسنه
- ۶۷..... خودسازی در نیروهای مسلح
- ۶۹..... اخلاق خانوادگی
- ۷۰..... مثل دو نفر شریک، مثل دو نفر رفیق
- ۷۰..... دو نگاه متفاوت، هر دو زیبا
- ۷۱..... همدیگر را خوشبخت کنید!
- ۷۱..... سازگاری
- ۷۲..... مراقبت اخلاقی
- ۷۳..... تواصواً بالحقّ و تواصواً بالصبر
- ۷۴..... مختصات خانوادگی خوب
- ۷۵..... اخلاق اجتماعی
- ۷۶..... تقوای اجتماعی
- ۷۶..... تقوای اجتماعی یعنی؛ تلاش برای تحقق آرمانهای اسلامی
- ۸۰..... آسیب‌ها و آفات بداخلاقی در جامعه
- ۸۵..... راهبردها و ابزارهای تحقق و توسعه اخلاق
- ۸۶..... عبادات و آموزش
- ۸۷..... کیمیای محبت الهی
- ۸۷..... الگوسازی
- ۸۸..... اهمیت دوران جوانی در پروراندن اخلاق
- ۹۱..... انقلاب اسلامی زمینه ساز تربیت اخلاقی فرد و جامعه
- ۹۲..... قوت
- ۹۳..... ضعف
- ۹۴..... چشم‌انداز انقلاب اسلامی در عرصه اخلاق
- ۹۹..... خاتمه
- ۱۰۱..... منابع برای مطالعه بیشتر

پیشگفتار

«رهنامه امین» مجموعه‌ای است شامل چهل دفتر، که مبانی، ارزش‌ها و اصول اسلام ناب محمدی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را با توجه به نیازها، پرسش‌ها و چالش‌های دوران معاصر تبیین می‌کند و از خلال دیدگاه‌های اندیشمندانه و ژرف‌نگر حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای مدظله‌العالی، به ترسیم اندیشه و سلوک یک جوان مؤمن انقلابی می‌پردازد. سرلوحه‌ی این دفتر، حکمت‌های جاودانه‌ی قرآن کریم و احادیث اهل‌بیت علیهم‌السلام است که دو امانت پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در میان امت اسلامی است و آغاز هر دفتر، سرمشق‌های حکیمانه‌ی بنیانگذار انقلاب اسلامی است که بی‌نام او این انقلاب در هیچ‌جای دنیا شناخته شده نیست و بدون نقشه‌راه او استمرار و تکامل انقلاب تحقق نخواهد یافت.

«رهنامه امین» عرصه‌ی گسترده‌ای از موضوعات گوناگون را دربرمی‌گیرد که در زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی جوانان مورد نیاز است و می‌تواند شاکله‌ی فکری و رفتاری آنان را ترسیم کند. این موضوعات از درنگ در موقعیت و ظرفیت‌های یک جوان مؤمن و اندیشه‌ورز آغاز می‌شود و در سیری منطقی به ساحت‌های اعتقادی، اجتماعی، سبک زندگی، مباحث تربیتی و اخلاقی، سیاسی و انقلابی در لایه‌ها و سطوح مورد نیاز می‌پردازد و در نهایت به نقطه اوج و آرمان همه‌ی مجاهدت‌ها می‌رسد و برآن است که در ترسیم طرح‌واره‌ای کلی از اندیشه نظری و علمی انقلاب، فرآیند تعالی و صیورورت علمی و عینی مخاطب خود را تسهیل و تسریع سازد.

«رهنامه امین» تنها برای خواندن و حداکثر یادداشت‌برداری و حفظ کردن مطلب نیست، بلکه بسته‌ای است برای تفکر و درنگ در اساسی‌ترین مفاهیم مورد نیاز و ناظر به تکالیف عملی جامعه‌ی مخاطب و زمینه‌ساز دستیابی به بصیرت عمیق و پایبندی دورنی به مبانی و ارزش‌های انقلاب اسلامی، به‌مثابه یک کلیت و گفتمان و گامی مهم و اساسی برای شناخت و تحقق بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی شکوهمند مردم ایران.

بیانیه «گام دوم انقلاب» تجدید مطلعی است خطاب به ملت ایران و به ویژه جوانان که به مثابه منشوری برای «دومین مرحله‌ی خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی» خواهد بود. این گام دوم، انقلاب را به «آرمان‌های بزرگش که ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی (ارواحنا فداه) هست»، نزدیک خواهد کرد. رهنامه امین در ۴۰ دفتر، جوان مؤمن، دانا و انقلابی را برای طی مسیر بلند و شکوهمند از خودسازی و جامعه‌پردازی به تمدن‌سازی و آمادگی برای ظهور همراهی می‌کند. قاعده‌ی حاکم بر تألیف و تدوین «**رهنامه امین**»، پایبندی متن به نصّ گفتار یا نوشتار رهبر حکیم انقلاب اسلامی بوده تا حتی‌المقدور از هرگونه تحلیل یا برداشت نادرست پیشگیری شده و با اقتباس از خلال دیدگاه‌های معظم‌له، برجسته‌ترین محورها و نکات مورد تأکید ایشان ارائه گردد.

برای تألیف و تدوین هریک از دفاتر چهل‌گانه، علاوه بر تلاش پژوهشی نویسندگان محترم برای مطالعه‌ی کامل مطالب مرتبط با موضوع و انتخاب مطالب اهمّ و موردنیاز و ساختاردهی آن، نظرات ارزیابان علمی مدنظر بوده است. باتوجه به محدودیت حجم هر دفتر، طبعاً امکان پرداختن به بسیاری از نکات و ظرائف مباحث و بیانات رهبری معظم مقدور نبوده است، از این‌رو مخاطب ارجمند این دفاتر، خود را بی‌نیاز از مراجعه به متن کامل بیانات و نوشتارهای ایشان نمی‌بیند.

از مؤلف محترم این دفتر جناب آقای محمدرضا یقینی، شورای محترم علمی طرح حجج‌اسلام علی ذوعلم، عباس رضوانی‌نسب (دبیر شورای علمی)، محمدباقر پورامینی، و آقایان حسین شهبوساری، محمدمهدی صالحی و دکتر محمدرضا یقینی که در انتخاب عناوین این مجموعه، تدوین سرفصل‌های دفاتر، هدایت و راهبری کار و سامان یافتن این طرح سعی فراوانی داشتند، و همچنین آقایان محمدباقر باباهادی و رضا فیضی که نهائی‌سازی جهت انتشار دفاتر را به‌انجام رساندند و معاون محترم نشر موسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، جناب آقای علیرضا مختارپور قهرودی و همکارانشان تشکر و قدردانی و از پیشنهادها و نظرات خوانندگان ارجمند برای تکمیل این طرح استقبال می‌کنیم.

علو درجات رهبر کبیر انقلاب حضرت امام خمینی قدس سره، دوام توفیقات رهبر فرزانه انقلاب حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای مدظله العالی و شهدای عزیزمان و نیز توفیق خوانندگان این مجموعه برای استمرار مسیر تعالی بخش این بزرگواران را از درگاه احدیت خواستاریم.

والحمد لله رب العالمین

دکتر محمد اسحاقی

معاون پژوهش و آموزش

موسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی

آیات و روایات

« هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ

وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ »

اوست آنکه در میان درس ناخواندگان، فرستاده ای از خودشان برانگیخت که آیات او را بر آنان میخواند و پاکشان میگرداند و کتاب و حکمت بدیشان می آموزد، اگرچه پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند. (سوره مبارکه الأنعام، آیه ۲)

« وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّيْنَاهَا فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا ۗ قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّيْنَاهَا ۗ وَ قَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا »

قسم به جان [آدمی] و آنکه آن را سامان داده، پس زشتی و درستی را به آن الهام نمود، حقاً هر که آن را پاکیزه کرد رستگار گردید، و آن که آن را آلوده ساخت زیانکار شد. (سوره مبارکه الشمس، آیه ۷ تا ۱۰)

« بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ »

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم میفرمایند: من برای به کمال رساندن کرامت‌های اخلاقی مبعوث شده‌ام. (بحار الأنوار، ج ۶۷، ص: ۳۷۲)

« وَ خَلَقَ الْإِنْسَانَ إِذَا نَفْسٍ نَاطِقَةٍ إِنْ زَكَّاهَا بِالْعِلْمِ وَالْعَمَلِ فَقَدْ شَابَهَتْ جَوَاهِرَ أَوَائِلِ عَالَمِهَا وَ إِذَا

اعْتَدَلَ مَزَاجُهَا وَ فَارَقَتْ الْأَضْدَادَ فَقَدْ شَارَكَ بِهَا السَّبْعَ الشَّدَادَ. »

امیرالمومنین علیه السلام میفرمایند: و [خداوند] آدمی را صاحب نفسی ناطق آفرید که اگر آن را با علم و عمل پاکیزه گرداند، [سرشتش] با سرشت اسباب [پیدایش] نخستینش مشابهت مییابد و هرگاه مزاجش معتدل باشد و از اضداد (هواهای متعارض) جدا شود، [نفس او] با آسمانهای هفتگانه (ملکوت) مشارکت پیدا مینماید. (غرر الحکم، ۴۲۳)

درآمد

شما جوانان، مدیران آینده‌ی کشورید. ایران فردا، ... باید ... گام‌های بلند و پرشتاب به سوی چشم‌اندازهای ترسیم‌شده را با همت و ایمان و بصیرت و شجاعت امثال شما بردارد. شما ... باید خود را برای نقش‌آفرینی در این تراز آماده کنید.^۱

همه‌ی کسانی که اهل معنا بودند ... توصیه‌شان این بود که گناه نکنید. بعضیها میگویند آقا چه ذکری را بخوانیم که ... به مقامات عالی [برسیم]؟ آنها می‌گفتند آقا ذکر پیشکش! گناه نکنید. قدم اول این است و اگر این قدم تأمین شد، خیلی از مشکلات شما، مشکلات روحی، مشکلات معنوی و مشکلات مادی، برطرف خواهد شد. همه در معرض گناهیم، همه در معرض لغزشیم. عرض کردم مراقب باشید. اگر چنانچه این مراقبت را شما داشتید - این مراقبت از خود را که اسم این مراقبت از خود تقوا است. ... یعنی همین مراقبت کردن از خود که گناه نکنید - ... خدای متعال به شما کمک خواهد کرد، شما را محکم نگه میدارد. خود این مراقبت موجب جلب رحمت الهی است، موجب برکت دادن به زندگی است. توصیه‌ی دوم بصیرت، بصیرت.^۲ اگر بصیرت نبود، انسان ولو با نیت خوب، گاهی در راه بد قدم می‌گذارد.^۳

۱. پیام به چهل و هفتمین نشست سالانه‌ی اتحادیه‌ی انجمن‌های اسلامی دانشجویان اروپا، ۱۳۹۱/۱۰/۲۴.

۲. بیانات در دیدار فرماندهان گردان‌های بسیج در آستانه‌ی روز بسیج مستضعفین، ۱۳۹۴/۰۹/۰۴.

۳. بیانات در دیدار عمومی مردم چالوس و نوشهر، ۱۳۸۰/۰۷/۱۵.

سرمشق

دردها دوا نمیشود، الاً با این که این خصیصهٔ شیطانی^۱ از بین برود. کسی بخواهد درد خودش را شخصاً دوا کند، باید این خصیصه را از بین ببرد؛ ...خودش را بزرگ حساب نکند؛ ...اگر بخواهد کسی تهذیب بشود، با علم تهذیب نمیشود؛ علم انسان را تهذیب نمیکند. گاهی علم، انسان را به جهنم میفرستد؛ ...گاهی علم اخلاق انسان را به جهنم میفرستد. با علم درست نمیشود. تزکیه میخواهد... تزکیه مقدم است بر همه چیز. طلبه‌ای که در مدرسه درس میخواند، همدوش با درس، همقدم با درس، تزکیه لازم دارد. ...دولتی که بخواهد مردم را وادار به کار خوب بکند باید تزکیه بکند خودش را. عارفی که بخواهد مردم را به معارف الهیه دعوت کند، تا خودش را تزکیه نکند این قدرت را ندارد، ...تا این خصیصهٔ شیطانی در او هست، این عمل را نمیتواند انجام بدهد؛ یعنی، زبان، زبان شیطان است و توحید میگوید و دل، دل شیطان است که توحید را دریافت کرده است، و قلب، قلب شیطان است که فقه را آموخته و فقه را تعلیم میکند.^۲

از امور بسیار با اهمیت و سرنوشت‌ساز مسئله مراکز تعلیم و تربیت از کودکان تا دانشگاهها است. ...اگر دانشگاهها و مراکز تعلیم و تربیت دیگر با برنامه‌های اسلامی و ملی در راه منافع کشور به تعلیم و تهذیب و تربیت کودکان و نوجوانان و جوانان جریان داشتند، هرگز میهن ما در حلقوم انگلستان و پس از آن امریکا و شوروی فرو نمیرفت و هرگز قراردادهای خانه خراب کن بر ملت محروم غارت‌زده تحمیل نمیشد و ...ملت ما امروز گرفتار مشکلات خانه‌برانداز نبود. امروز ما غیر امروز، و میهن ما غیر این میهن ...بود.^۳

۱. خودبینی

۲. سخنرانی امام خمینی قدس سره در جمع اعضای مجلس خیرگان و ائمه جمعه سراسر کشور، ۱۳۶۳/۱۱/۱۴.

۳. وصیت‌نامه سیاسی الهی امام خمینی قدس سره.

ما، روحانیون، دانشگاهی‌ها اگر واقعاً علاقه دارند به اینکه این کشور محفوظ بماند، خصوصاً دانشگاهیها، اساتید دانشگاه، اگر واقعاً علاقه‌مندند که این کشور دوباره برنگردد به اوضاع سابق، باید... مواظب خودشان باشند در تربیت و مواظب بچه‌ها و جوانها باشند در کارهایی که میکنند. باید نگه دارند دانشگاه را به یک صورتی که، به یک واقعیتی که آن واقعیت همین تحولی است که در ایران پیدا شده است. دانشگاه باید متحول باشد و البته شده است، لکن بیشتر مواظبت می‌خواهد. علمای بلاد هم هر جا هستند و خصوصاً در حوزه‌های علمیه باید همه جهاتی که اهل علم را، آنهایی که تازه آمدند و مشغول درس خواندن هستند، آنها را به خدای تبارک و تعالی نزدیک میکند و علاقه‌مند میکند، همه آن جهات را باید حوزه‌ها داشته باشند. حوزه‌ها باید درس اخلاق داشته باشند... اگر بخواهید که آینده کشور شما یک آینده نورانی باشد، تربیت کنید اینهایی که وارد در حوزه‌ها هستند، یا در آنجایی که درس می‌گویید وارد میشوند، تربیتشان کنید به یک تربیتی که از این عالم هجرت کنند، توجه به ماورای اینجا بکنند، روحانی باشند؛ ... یعنی توجه به ماورای طبیعت داشته باشند. از اول قدم‌ها که برداشته میشود، برای آن طرف برداشته بشود، وقتی این طور شد، اینجا هم درست میشود. آن کسی که جهات معنوی خودش را تقویت کرد، آن کس در جهات طبیعی هم قوی میشود. مثل، مثل انبیاست و اولیا، با همه آن معنویات، با همه آن معارف الهیه، کشورداری هم میکردند، حکومت هم تأسیس میکردند، حدود را هم جاری میکردند، کسانی هم که مضر به جامعه بودند از دم شمشیر می‌گذرانند، در عین حالی که در آن پایه از معارف بودند. اگر مردم را تربیت کنید به یک تربیتی سالم، و دعوت کنید به این که با خدا آشنا بشوند، با معارف الهی آشنا بشوند، با قرآن آشنا بشوند، اگر این طور شد، کشور شما سالم میماند و به سایر جاها هم سرایت میکند؛ قهری است این^۱. باید مردم را آشنا کرد با آن چیزی

۱. سخنرانی امام خمینی ^{قدس سره} در جمع اعضای جامعه مدرسین و اساتید دانشگاه، ۱۳۶۴/۶/۵.

که انبیا برای آن آمدند. برای مکارم اخلاق همه انبیا آمدند؛ «بُعِثْتُ لِاتِّمَمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ»^۱ برای تقوا و آدم سازی آمدند انبیا.^۲

۱. بحار الأنوار، ج ۶۷، ص ۳۷۲. (من برای به کمال رساندن کرامت‌های اخلاقی مبعوث شده‌ام).
۲. سخنرانی امام خمینی ^{قدس سره} در جمع مسئولان نهضت سواد آموزی و هلال احمر، ۱۳۶۱/۱۰/۵.

فصل اول: جایگاه و اهمیت تربیت

در قرآن وظیفه انبیا، تزکیه و تعلیم است. بعضیها از جلو قرار گرفتن «یَزَكِّيهِمْ» در دو آیه قرآن بر «یَعْلَمُهُمْ»، استفاده کرده‌اند که تزکیه از تعلیم هم بالاتر است. می‌تواند این طور باشد. حداقل این است که تزکیه در کنار تعلیم است؛ «یَزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ»^۱ آن هم تعلیم کتاب و حکمت، نه تعلیم چیزهای پیش پا افتاده. این در کنار تزکیه است؛ بنابراین تزکیه خیلی والاست. تزکیه، یعنی تربیت.^۲ هر کدام از انبیا به نبوت مبعوث شدند، ... اقدام بزرگِ تعلیم و تربیت را تا آن حدی که امکانات زمان اجازه میداد، پیش بردند؛ ... هدف همه نبوتها و بعثتها این است.^۳ اخلاق آن هوای لطیفی است که در جامعه‌ی بشری اگر وجود داشت، انسانها میتوانند با تنفس او زندگی سالمی داشته باشند. اخلاق که نبود، بی‌اخلاقی وقتی حاکم شد، حرصها، هوای نفسها، جهالتها، دنیاطلبی‌ها، بغضهای شخصی، حسادتها، بخلها، سوءظن

۱. سوره مبارکه آل عمران، آیه ۱۶۴. و سوره مبارکه الجمعة، آیه ۲. (آنها را پاکیزه کند، و کتاب و حکمت بیاموزد).

۲. بیانات در دیدار جمعی از مسئولان وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۸۱/۰۴/۲۶.

۳. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم در سالروز عید سعید غدیرخیم، ۱۳۷۹/۱۲/۲۴.

به یکدیگر وارد شد - وقتی این رذائل اخلاقی به میان آمد - زندگی سخت خواهد شد؛ فضا تنگ خواهد شد؛ قدرت تنفس سالم از انسان گرفته خواهد شد. لذا در قرآن کریم در چند جا « يُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ »^۱ تزکیه که همان رشد اخلاقی دادن است، جلوتر از تعلیم آمده است.^۲

جامعه بدون برخورداری افراد از خلقیات نیکو، نمیتواند به هدفهای والای بعث پیامبر دست پیدا کند. آنچه فرد و جامعه را به مقامات عالی انسانی میرساند، اخلاق نیکوست. اخلاق نیکو هم فقط خوش اخلاقی با مردم نیست؛ بلکه به معنای پروراندن صفات نیکو و خلقیات فاضله در دل و جان خود و انعکاس آنها در عمل خود است.^۳

۱. تربیت مقدم بر آموزش

علمی که ما میخواهیم، همراه با تزکیه است... تربیت دین، تربیت قرآن، تربیت اسلام این است. چرا اول تزکیه؟ برای اینکه اگر تزکیه نبود، علم منحرف میشود. علم یک ابزار است، یک سلاح است؛ این سلاح اگر در دست یک انسان بدطینت، بددل، خبیث و آدمکش قرار بگیرد، جز فاجعه چیز دیگری نمی آفریند؛ اما همین سلاح میتواند در دست انسان صالح، وسیله‌ی دفاع از انسانها، دفاع از حقوق مردم، دفاع از خانواده باشد. این علم را بایستی آن وقتی در دست گرفت که با تزکیه همراه باشد.^۴

آموزش بدون پرورش راه به جایی نخواهد برد، آموزش بدون پرورش همان بلایی را بر سر جوامع انسانی خواهد آورد که امروز بعد از گذشت صد سال، صدوپنجاه سال یا بیشتر، جوامع غربی دارند آن را احساس میکنند. اینها از آن چیزهایی است که آثار آن ده ساله و بیست ساله ظاهر نمیشود؛ یک وقت چشم باز میکنید، میبینید یک نسل ضایع شده است و کاریش نمیشود کرد. یک نسل، مایوس کننده است... علم بدون تربیت اینجور

۱. سوره مبارکه آل عمران، آیه ۱۶۴. و سوره مبارکه الجمعة، آیه ۲. (آنها را پاکیزه کند، و کتاب و حکمت بیاموزد).

۲. بیانات در سالروز عید سعید مبعث، ۱۳۸۸/۰۴/۲۹.

۳. بیانات در دیدار بسیجیان، ۱۳۸۵/۰۱/۰۶.

۴. بیانات در دیدار نخبگان جوان، ۱۳۸۹/۰۷/۱۴.

است. وقتی در یک جامعه‌ای علم پیش میرود و تربیت نیست، ... ضایع شدن نسل انسانی است.^۱

۲. انسان و تربیت

اگر انسان تعلیم درست و تزکیه درست شود، همان ماده مستعدی است که در کارخانه مناسبی شکل مطلوب خود را پیدا کرده و به کمال رسیده است. هم در این نشئه وجود او منشأ برکت و خیر و مایه آبادی جهان و آبادی دلهای انسانهاست، هم وقتی وارد نشئه دیگر شد و به عالم آخرت قدم گذارد، سرنوشت او همان سرنوشتی است که همه انسانها از اول تا امروز مشتاق آن بوده‌اند؛ یعنی نجات، زندگی ابدی سعادت‌مندانه و بهشت. لذا انبیا از اول تا نبی مکرم خاتم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، هدف خود را تعلیم و تزکیه معین کرده‌اند «يُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ»^۲. انسانها را، هم تربیت عقلانی و فکری میکنند و هم تربیت روحی^۳.

قالب و تراش یک انسان مطلوب اسلام چیزی است که با تربیت حاصل میشود. همه‌ی انسانها هم قابل تربیتند. بعضی ممکن است دیرپذیرتر باشند، بعضی زودپذیرتر؛ بعضی تربیت در آنها ماندگارتر باشد، بعضی کم دوام‌تر؛ اما همه‌ی انسانها در معرض تغییر و تبدیلی هستند که با تربیت حاصل میشود.^۴

اسلام همه‌ی اینها^۵ را به صورت بسته‌ی کامل در اختیار همه‌ی معتقدین و مؤمنین خود قرار داده. این بسته را باز کنیم، دانه‌دانه از این مواد استفاده کنیم، بهره‌مند شویم، آنها

۱. بیانات در دیدار معلمان استان فارس، ۱۳۸۷/۰۲/۱۲.

۲. سوره مبارکه آل عمران، آیه ۱۶۴. و سوره مبارکه الجمعة، آیه ۲. (آنها را پاکیزه کند، و کتاب و حکمت بیاموزد).

۳. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه، ۱۳۷۶/۱۰/۱۲.

۴. بیانات در دیدار معلمان و فرهنگیان سراسر کشور، ۱۳۹۳/۰۲/۱۷.

۵. اصول تربیتی.

را بجشیم و درون وجود خودمان ذخیره کنیم^۱. راه رسیدن به آن هدف^۲ عمل کردن به معارف و قوانین اسلام است که برای بشر مشخص شده است^۳.
 یک حدیثی از پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم... است که تعلیم را به پیامبر نسبت میدهد. «ان الله لم یبعثنا معتنا ولا متعتنا ولكن بعثنا معلما ميسرا»^۴ خدا من را معلم مبعوث کرده است؛ معلمِ ميسر، یعنی آسان‌ساز. زندگی را برای متعلمین خودم با آموزشهای خودم آسان می‌سازم و کار را بر آنها آسان می‌کنم. این آسان‌سازی، غیر از آسان‌گیری است؛ یعنی سهل‌انگاری نیست. من معنت و متعت نیستم. نه خودم را دچار پیچ و خمهای دشوار زندگی می‌کنم، نه مردم را؛ بلکه با تعلیم خود، مردم را به راه راست، راه صحیح، راه آسفالته، صراط مستقیم هدایت می‌کنم. آسان‌سازی یعنی این^۵.

۳. تربیت عدالت‌خواهانه

جهت‌گیری تعلیم و تربیت کشور باید به سمت برخورداری از عدالت باشد؛ یعنی آموزش و پرورش ما، تعلیم و تربیت ما، عدالت‌پرور تربیت کند، عدالت‌خواه تربیت کند، عدالت‌ساز تربیت کند؛ چون عدالت، آن ارزش والایی است که از اول تاریخ بشر تا امروز، همواره مورد نظر آحاد بشر بوده است. ارزشها به‌مرورزمان و به‌تحول‌نسلها تغییر پیدا میکنند، [اما] بعضی از ارزشها از اول تا آخر ثابتند؛ از جمله، ارزش عدالت است. شما ملاحظه کنید؛ ادیانی که معتقد به مهدویتند - که تقریباً همه‌ی ادیان الهی معتقد به مهدویتند - اینها معتقدند که منجی بیاید، دنیا را پر از عدل و داد کند؛ نگفتند پر از دین کند، [بلکه] پر از عدل و داد کند؛ این اهمیّت عدل و داد را نشان میدهد. البته عدالت هم جز در سایه‌ی دین حاصل نخواهد شد؛ این به جای خود محفوظ، اما مسئله‌ی عدل و داد خیلی

۱. بیانات در دیدار جمعی از معلمان سراسر کشور، ۱۳۹۰/۰۲/۱۴.

۲. تربیت، تزکیه، تعلیم و هدایت انسانها به صراط مستقیم و پیرفت انسانها در زمینه‌ی زندگی مادی و معنوی

۳. بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۸۲/۰۲/۲۹.

۴. صحیح مسلم، مسلم النیشابوری، ج ۴، ص ۱۸۸.

۵. بیانات در دیدار معلمان استان فارس، ۱۳۸۷/۰۲/۱۲.

مهم است. آموزش و پرورش ما باید جهت‌گیری این‌جوری داشته باشد. امیرالمؤمنین علیه‌السلام در نهج‌البلاغه می‌فرماید: «وَمَا أَخَذَ اللَّهُ عَلَى الْعُلَمَاءِ إِلَّا يُقَارُوا عَلَى كِبَاطِهِ ظَالِمٍ وَلَا سَعْبٍ مَظْلُومٍ»^۱ وظیفه‌ی عالمان را بیان میکند که بر گرسنگی گرسنگان و شکم‌بارگی دارندگان، صبر نکنند. تحمل نکنند. یعنی عدالت.^۲

۴. نقش معنویت در جذب جوان

راه جذب جوانها (به مساجد) تصرف دل جوان است. دل جوان یک قیامتی است، اوضاعی است. گرایش جوان به معنویت یکی از آن رازهای بزرگ الهی است. یک حرف معنوی را برای امثال بنده که بگویند، خب گوش میکنم، حداکثر اندکی تأثیر پیدا میکنم، [اما] همان حرف را به یک جوان بزنند، منقلب میشود، از این رو به آن رو میشود. دل جوان حقیقت‌پذیر است، دل جوان به فطرت الهی نزدیک است؛ «فَطَرَتَ اللَّهُ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا»^۳. دل جوان با نصایح و مطالب معنوی و سلوکی و عرفانی انس پیدا میکند، زود انس پیدا میکند، زود دل‌باخته و دل‌بسته میشود؛ جاذبه‌ی جوانها اینها است. شما سخن را، حرف را، اقدام را با معنویت، با عرفان واقعی، نه عرفانهای تخیلی و توهمی و صوری، یک مقداری آمیخته بکنید، خواهید دید جوان چطور مجذوب میشود و می‌آید. جاذبه‌ی جوان در مسجد اینها است. و آلا حالا یک وسیله‌ی بازی هم آنجا فراهم کردیم، گذاشتیم، خب اگر بنا است برای بازی بیاید، برود در باشگاه بازی کند.^۴

^۱ . نهج‌البلاغه، خطبه ۳. (و اگر نبود عهده‌ی که خداوند از دانشمندان گرفته که در برابر شکمبارگی هیچ ستمگر و گرسنگی هیچ مظلومی سکوت ننمایند...)

^۲ . بیانات در دانشگاه فرهنگیان، ۱۳۹۷/۰۲/۱۹.

^۳ . سوره مبارکه الروم، آیه ۳۰. (این فطرتی است که خداوند، انسانها را بر آن آفریده.)

^۴ . بیانات در دیدار ائمه جماعات مساجد استان تهران، ۱۳۹۵/۰۵/۳۱.

۵. خُلُقُهُ الْقُرْآن

باید اهل قرآن شد؛ تلاوت قرآن مقدمه است، هدف نیست؛ هدف، تخلُّق به اخلاق قرآن است. از زوجات مکرمه‌ی پیغمبر نقل شده است که درباره‌ی اخلاق پیغمبر این جور گفته‌اند: «كَانَ خُلُقُهُ الْقُرْآن»^۱ اخلاق پیغمبر، قرآن بود؛ یعنی پیغمبر، قرآن مجسم بود. رفتار ما، اخلاق ما، تخلُّق شخصی ما برطبق قرآن باشد؛ این لازم است. تلاوت مقدمه‌ی این است؛ فقط هم این نیست؛ علاوه بر شکل‌گیری شخصی برطبق قرآن، جامعه‌ی ما و محیط زندگی ما هم باید قرآنی بشود.^۲

۶. احتیاج عقل به تربیت

عقل باید بتواند انسانها را تعالی ببخشد. عقل در یک سطح، آن عاملی است که انسان را به مقام قُرب میرساند، به مقام توحید میرساند؛ در یک سطح پایین‌تر، عقل آن چیزی است که انسان را به سبک زندگی اسلامی میرساند؛ در یک سطح دیگر هم عقل آن چیزی است که ارتباطات مادی زندگی دنیا را تنظیم میکند؛ همه‌ی اینها کار عقل است. عقل و قوه‌ی عاقله آن قوه‌ای است که بتواند همه‌ی اینها را دارا باشد؛ پس احتیاج به تربیت معنوی دارد. دانشجوها را تربیت معنوی کنید. اینها جوانند؛ جوان به‌طورطبیعی لطیف است، بالنسبه پاکیزه است، قابل حرکت در جهت معنوی است؛ و این باید در دانشگاه تأمین بشود. «لَا يُسْتَعَانُ عَلَى الدَّهْرِ إِلَّا بِالْعَقْلِ»^۳ زندگی بدون عقل که ممکن نیست. بنابراین جنبه‌ی تربیتی این قوه‌ی عاقله بایستی قوی باشد؛ دانشگاه باید جوانهایی را تربیت کند که باایمان باشند، باشرف باشند، اهل اقدام باشند، تنبل نباشند، اهل تلاش باشند، دارای اعتمادبه‌نفس باشند، حق‌پذیر باشند، حق‌طلب باشند؛ اینها خصلتهای یک انسان والا است؛ اسلام این جور انسانی را میخواهد؛ این انسان است که

۱. ورام، مسعود بن عیسی، تنبیه الخواطر و نزهة النواظر المعروف بجموعه ورام، ج ۱، قم: مکتبه الفقیه، ص ۸۹ (براستی که اخلاق پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم همان قرآن بود)

۲. بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در سی و دومین دوره مسابقات بین‌المللی قرآن کریم، ۱۳۹۴/۰۳/۰۲.

۳. بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج ۷۵، ص ۷. (بر مشکلات روزگار، جز به یاری خرد، نمی‌توان چیره گشت).

اگر چنانچه به مدیریت جامعه رسید، جامعه را میتواند به سمت صلاح و فلاح هدایت بکند، و آلا اینکه حالا فرض کنید الان در فضای مجازی معمول شده، کار عادی و رایجی است که به همدیگر بدگویی کنند، این به آن، آن به این تهمت بزنند، یک ضعف کوچک را بزرگ کنند، آبروی مؤمن را ببرند که معلوم هم نباشد چه کسی است؛ خب خیلی چیز بدی است. در بین جوانهای ما یک چنین چیزهایی وجود دارد که باید جلوی آنها گرفته بشود؛ این با تربیت معنوی [ممکن است].^۱

۱. بیانات در دیدار جمعی از استادان، نخبگان و پژوهشگران دانشگاهها، ۱۳۹۷/۰۳/۲۰.

فصل دوم: تربیت دینی در عرصه های مختلف

خدای متعال بشر را طوری آفریده است که به تربیت احتیاج دارد. هم از بیرون باید او را تربیت کنند، هم از درون خودش باید خودش را تربیت کند. در مقوله مسائل معنوی، این تربیت، یکی تربیت فکر و قوای عقلانی اوست که محلّ این تربیت، تعلیم است و یکی تربیت نفس و قوای روحی و قوه غضبیّه و شهویّه اوست که نام این تربیت، تزکیه است. ... تمام عبادات و تکالیف شرعیای که من و شما را امر کرده‌اند تا انجام دهیم، درحقیقت ابزارهای همین تزکیه یا همین تربیت است؛ برای این است که ما کامل شویم.^۱

۷. تربیت دنیوی، مقدمه حیات اخروی

همه ... فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، نظامی، مبارزاتی و علمی و تحقیقاتی برای انسان لازم است. هر کس بر حسب نوبت، فرصت و سهمی که دارد، باید کار خود را در این زمینه‌ها انجام دهد. در این شکی نیست؛ اما فراتر از همه اینها یک نکته

۱. بیانات در خطبه‌های نمازجمعه، ۱۳۷۶/۱۰/۱۲.

معنوی و الهی است و آن این است که شما در مسؤلیتی که بر عهده میگیرید؛ چه کار سیاسی باشد، چه کار علمی باشد، چه درس خواندن و درس دادن باشد، چه تحقیق و پژوهش باشد، چه ساختن و بنا کردن باشد و چه ویران کردن پایه‌های فساد و تباهی، باید یکی از این دو صورت باشید: کاری که میکنید شما را در آن سیر معنوی که اساس خلقت انسان برای آن است و بقیه چیزها مقدمه‌اند، یا پیش می‌برد و یا از آن باز میدارد. یکی از این دو صورت است و شق سوم ندارد.

همه تلاش ادیان الهی و سلوک معنوی و سعی پیغمبران و شهدای مردان بزرگ خدا برای این است که بشر را به راه اول بکشانند و در صراط مستقیم قرار دهند. یعنی بشر به سمت خدا حرکت کند، عروج معنوی و کمال انسانی بیابد، با خدا آشنا شود و آینده خود را که همان مرحله اساسی حیات بعد از مرگ است و بقیه مقدمه آن است، تأمین کند. «الدُّنْيَا مَرْعَى الْأَخْرَةِ»^۱ من و شما در این‌جا برای حیات ابدی مقدمه‌چینی میکنیم. هر کاری که در این‌جا انجام میدهید - تحصیل علم و تعلیم آن، مبارزه، ورزش، کسب دنیا و بنا و آبادسازی آن، کوبیدن دشمنان - باید دارای روحی باشد که شما را در صراط مستقیم به پیش ببرد. هر چه که شما را از این راه باز دارد، گناه است. گناه در اصطلاح دینی و در سخن انبیا یعنی عوائق و موانع راه کمال انسان. معنای گناه آن نیست که خدای متعال - العیاذ باللَّه - نمیخواسته بندگانش خوشی و لذت داشته باشند. لذتی که انسان را از راه خدا باز دارد، مثل غذای مضرّی است که کسی میخورد و او را به مرگ نزدیک میکند. انسان عاقل این غذا را نمیخورد و این لذت را دور می‌اندازد. کسی که چربی یا قند خونش زیاد است یا ماده مضرّی در بدنش وجود دارد، از غذای لذیذی که آن ماده را در بدن او افزایش میدهد، پرهیز میکند. آن را نمیخورد و دور میریزد؛ ولو خوردن آن غذا لذت داشته باشد. لذت این غذا برای یک لحظه است؛ بعد بدبختی و

۱. عوالی اللئالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیّه، جلد ۱، صفحه ۲۶۷. (دنیا کشتگاه آخرت است.)

گرفتاری اش گریبان انسان را میگیرد. گناه چنین چیزی است. به همین جهت است که در قرآن به استغفار تکیه شده است.^۱

مسئله‌ی تعلیم و تربیت، مسئله‌ی زندگی بخشیدن و ولادت بخشیدن به یک مخاطب و یک انسان است. اسلام با این چشم نگاه میکند. شما تلاش کنید، سعی کنید یک بخشی از زمینی را که خشک به نظر میرسد، بکاوید و از آنجا چشمه‌ای جاری شود؛ شما یک بذری را که خیلی ناچیز به نظر میرسد، در زمین مستعدی بکارید و آن را آبیاری کنید، تا نهال سرسبزی از آن متولد شود؛ مسئله این است. حالا چه قابل تبدیل به پول باشد، چه نباشد.^۲

۸. امام مصداق تربیت یافته دینی

آنچه که در دوره‌ی بعد از تشکیل نظام اسلامی، از ابعاد وجودی امام مشاهده شد، به نظر من به مراتب مهم‌تر و عظیم‌تر بود از آنچه که قبلاً دیده شده بود. در این دوران، امام این شخصیت برجسته و ممتاز در دو بُعد و دو چهره مشاهده می‌شود: در دوران حکومت، یک چهره، چهره‌ی رهبر و زمامدار است؛ یک چهره، چهره‌ی یک زاهد و عارف. ترکیب این دو باهم، از آن کارهایی است که جز در پیامبران، جز در مثل داود و سلیمان، جز در پیامبری مثل پیامبر خاتم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم انسان نمی‌تواند دیگر پیدا کند. این‌ها حقایقی است که ملت ایران در طول سالهای متمادی آن‌ها را لمس کرده؛ ما هم که از نزدیک شاهدش بودیم و دیدیم. تربیت اسلامی و قرآنی این است. امام به چنین چیزی همه را دعوت می‌کرد؛ نظام اسلامی را برای تربیت انسان‌هایی از این قبیل می‌خواست و می‌پسندید؛ همان‌طور که خود او مظهر اعلا‌ی آن بود.^۳

امروز میدان مسائل اجتماعی هم میدان مسائل دینی است. حضور در مراسم عظیمی که در جمهوری اسلامی به طور مکرر وجود دارد؛ از نماز جمعه‌ها بگیرد تا راهپیمایی

۱. بیانات رهبری در دیدار دانش آموزان و دانشجویان، ۱۳۷۴/۸/۱۰.

۲. بیانات در دیدار معلمان استان فارس، ۱۳۸۷/۲/۱۲.

۳. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه، ۱۳۷۸/۰۳/۱۴.

بیست و دوم بهمن؛ همه اینها کارهای دینی است. با این روشها و با این اعمال، نفس خودتان را - آن دل پاک و نورانیتان را - هرچه بیشتر ثابت قدم کنید.^۱

۹. تربیت اسلامی

اسلام پیروان خود را اینجور تربیت میکند: «وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ»^۲ اینها نشانه‌های امت اسلامی است. اینها آن معنویتی است که در آنها وجود دارد؛ آن توکل، آن توجه به خدا، آن تذکر، آن خضوع در مقابل پروردگار. این، خاصیت پرورش انسان مسلمان و مؤمن است. اسلام اینجور انسانی پرورش میدهد: در مقابل خدای متعال، خاضع؛ با برادران ایمانی، رحیم، مهربان؛ اخوت اسلامی، برقرار؛ اما در مقابل مستکبران، در مقابل ظالمان، مثل کوه استوار می‌ایستند؛ «وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَى عَلَى سُوقِهِ»^۳. این، همان مراحل رشد امت اسلامی است؛ سر میزند، رشد میکند، بالندگی پیدا میکند، مستحکم میشود. «یَعِجِبُ الزَّرَّاعُ»: خود آن کسانی که این زمینه را فراهم کردند، به شگفت می‌آیند. این دست قدرت الهی است که اینجور انسانها را رشد میدهد. «لِيَغِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ»^۴ دشمن مستکبر وقتی به این انسان مسلمان تربیت شده‌ی بالیده‌ی در دامان اسلام نگاه میکند، معلوم است که به خشم می‌آید و ناراحت میشود. ما باید اینجوری عمل کنیم. خود را بسازیم. خود را با قرآن تطبیق دهیم. اخلاق خود را، رفتار خود را، با دوستان، با معارضان و معاندان، با مستکبران، طبق برنامه‌ی قرآن تنظیم کنیم. خداوند متعال وعده کرده است که به

۱. بیانات در دیدار اعضای اتحادیه‌های انجمنهای اسلامی دانش آموزان و مسئولان امور تربیتی سراسر کشور،

۱۳۷۹/۱۲/۰۸

۲. سوره مبارکه الفتح، آیه ۲۹. (کسانی که با اویند بر کافران سختگیر [و] با همدیگر مهربانند آنان را در رکوع و سجود مبینی فضل و خشودی خدا را خواستارند علامت [مشخصه] آنان بر اثر سجود در چهره هایشان است.)

۳. سوره مبارکه الفتح، آیه ۲۹. (و مثل آنها در انجیل چون کشته‌ای است که جوانه خود برآورد و آن را مایه دهد تا ستبر شود و بر ساقه‌های خود بایستد.)

۴. سوره مبارکه الفتح، آیه ۲۹. (تا از [انبوهی] آنان [خدا] کافران را به خشم دراندازد.)

افرادی که اینجور حرکت کنند، پاداش خواهد داد، اجر خواهد داد. این اجر، هم در دنیاست، هم در آخرت. در دنیا عزت است، برخورداری از زیباییها و تمتعات الهی در این عالم است - که برای انسانها فراهم کرده است - در آخرت هم رضوان الهی و بهشت الهی است.^۱

۱۰. تربیت دینی دانشجویان

امروز خوشبختانه در سطح دانشگاههای کشور، ما اساتید مؤمن، مخلص، دارای باورهای عمیق دینی و دارای حس اعتماد به نفس ملی، فراوان داریم. اینها تربیت شده‌های دوران انقلاب هستند که خوشبختانه در سطح دانشگاه، در همه جا، با پایه‌های والای علمی مشغول خدمت هستند؛ که این مایه‌ی خرسندی و افتخار است.

تربیت دینی دانشجویان، بایستی یکی از اهداف مجموعه‌ی اساتید دانشگاهی کشور باشد. دانشجو را باید هم متدین و هم دارای باورهای ملی - همان اعتماد به نفس ملی که عرض کردیم - بار آورد. خلاف این را من گاهی از بعضی از دانشگاهها و بعضی از کلاسهای درس میشنوم. استادی می‌آید طوری درباره‌ی کشور حرف می‌زند که دانشجو از اینکه ایرانی است، بیزار میشود. این بی‌انصافی است؛ این برخلاف مصلحت این جوان و برخلاف مصلحت این نسل عمل کردن است. باید جوان را به هویت ملی و باورهای ملی خودش پایبند کرد؛ طوری که افتخار کند که ایرانی است و افتخار هم دارد. واقعاً افتخار دارد ایرانی بودن؛ آن هم ایرانی که امروز به خاطر مواضع سیاسیش و مواضع بین‌المللی‌اش در دنیای اسلام، عزیزترین است.^۲

۱۱. لزوم متدین بار آوردن دانش‌آموزان

اگر میخواهید کار معلمی شما مورد رضای خدا و نسل‌های آینده قرار گیرد و در انجام وظیفه‌تان از شما به نیکی یاد شود، بچه‌ها را متدین بار بیاورید. متدین بار آوردن بچه

۱. بیانات در دیدار مسئولان نظام در روز میلاد پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، ۲/۱۲/۱۳۸۹.

۲. بیانات در دیدار اساتید و اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها، ۱۳/۰۷/۱۳۸۵.

فقط کار معلم تعلیمات دینی نیست؛ یک معلم ریاضی، یک معلم فیزیک، یک معلم فارسی و ادبیات هم با یک نکته‌گویی بجا و با یک تک مضراب می‌تواند تفکر دینی را در اعماق دل شاگرد و مخاطب خود جا دهد تا یادش نرود. گاهی حتی بیش از معلم دینی می‌توانند اثر بگذارند. وقتی معلم دینی سر کلاس می‌آید، یک تکلیف است و بچه‌ها و همه‌ی انسان‌ها نسبت به تکلیف، حالت امتناع دارند. این آقا می‌خواهد بیاید تکلیف بدهد؛ اگر خیلی خوش‌بین و خوش‌برخورد و خوش‌اخلاق و خوش‌تدریس باشد، یک مقدار حرفش قابل قبول است؛ اگر اینها هم نباشد، که دیگر هیچ. اما یک معلم فیزیک، یک معلم ریاضی، یک معلم شیمی، یک معلم ادبیات فارسی، یک معلم تاریخ، گاهی در خلال صحبت، با یک کلمه‌ی بجا - حقیقتاً یک کلمه - می‌تواند تأثیری در روح کودک و نوجوان و جوان بگذارد که او را به معنای واقعی کلمه متدین و پایند کند. شماها می‌توانید این کار را بکنید؛ هم در دبستان، هم در راهنمایی، هم در دبیرستان. بچه‌ها را متدین بار بیاورید. متدین بار آوردن بچه‌ها همان چیزی است که می‌تواند آینده‌ی این کشور را آباد کند. اگر ما می‌خواهیم این کشور پیشرفت صنعتی کند، پیشرفت مادی کند، پیشرفت فرهنگی کند، رتبه‌ی اول منطقه را - همان طور که در سند چشم‌انداز آمده - حائز شود، این در سایه‌ی انگیزش دینی و ایمان امکان‌پذیر است. وقتی ایمان بود، انسان دنبال ایمان حرکت میکند و با همه‌ی سختیها هم می‌سازد.^۱

۱. بیانات در دیدار جمعی از معلمان استان کرمان، ۱۳۸۴/۰۲/۱۲.

فصل سوم: عوامل فردی موثر در تربیت

در سر راه انسان موانع وجود دارد. اساساً همین وجود مانع است که به تلاش انسان معنا و حقیقت معنوی میبخشد و اسمش میشود جهاد؛ و آلاً اگر مانع نبود، جهاد معنی نداشت. جهاد یعنی جد و جهد همراه با زحمت و چالش با موانع... همه‌ی این موانع جزو سنتهای الهی است. وجود این موانع تصادفی نیست. اینها سنت الهی است؛ یعنی تلاش و حرکت با مانع مواجه است، و آلاً جهاد معنا نمیداشت.^۱

بشر دو نوع موانع بر سر راه خود دارد: یکی موانعی است که درون وجود خود او قرار دارد و دیگر، موانعی که بیرون از وجود اوست... از موانع درونی انسان، میتوان به «خُلُقِیَّات فاسد» اشاره کرد. مثلاً در راه تکامل، خودخواهی انسان یک مانع است. خودپرستی و خودبینی - که انسان فقط شخص خود را به حساب بیاورد و دیگران را به چیزی نشمارد - مانع بزرگی در راه تکامل انسان است که در او حسد، طمع، حرص و برادرکشی ایجاد میکند. انسان مبتلا به این گرفتاریها، بسیاری از جنگها را به راه

۱. بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه‌های شیراز، ۱۳۸۷/۰۲/۱۴.

می‌اندازد و بسیاری از ظلمها و نامردمیها را به وجود می‌آورد. منشأ همه اینها، خودخواهی است.

از جمله موانع دیگری که انسان را از راه کمال باز میدارد، تنبلی، تن‌پروری، بیاعتنایی به کار و بی شوقی نسبت به حرکت است. شمادر دعای شب اول ماه رمضان میخوانید: «اللهم اجعلنا ممن نوى فعل و لا تجعلنا ممن شقى فکسل و لا ممن هو علی غیر عمل يتکل.» ببینید چه عبارتهای پر مغز و چه درسی در پوشش دعاست! دعا کننده از این که جزو کسانی باشد که دچار کسالت و بیعملی هستند، به خدا پناه میبرد. نمیخواهد از جمله کسانی باشد که می‌خواهند، اما عمل نمیکنند و انتظار دارند بدون کار کردن نتیجه بگیرند و بدون کِشْتَن بدروند. «و لا تجعلنا ممن شقى فکسل و لا ممن هو علی غیر عمل يتکل»^۱ میگوید: خداوندا! مرا جزو کسانی که فقط به آرزو تکیه میکنند و به عمل و تلاش نمیپردازند، قرار نده... اینها دردها و مرضهای درونی است اینها موانع درونی انسان است که او را از کار باز میدارد. از جمله، شهوترانی یا میل به شهوات؛ که [انسان] هر چه می‌خواهد انجام دهد، فکر عاقبت را نکند و دنباله رو هوای و هوس خود باشد. در روایت معروفی نقل شده است که فرموده اند: «إِنَّ أَخَوْفَ مَا أَخَافُ عَلَيْكُمْ^۲ اثنان: اتَّبَعُ الْهَوَى، وَ طُولُ الْأَمَلِ»^۲ ترسناکترین بلایی که از ابتلای شما مسلمانان به آن می‌ترسم، این است که دنباله رو هوای نفس خودتان باشید؛ یعنی شهوترانی کردن و شهوات را بر عقل مسلط ساختن. اینها همه موانع درونی انسان است.^۳

۱۲. هوای نفس

همه بدبختیهای بشر بر اثر پیروی از هوای نفس است. همه ظلمها، همه تزویرها، همه نامردمیها و بی عدالتیها، همه جنگهای ظالمانه، همه حکومتهای فاسد، همه

۱. اقبال‌الاعمال، سیدین طابوس، ص ۲۲. (و از آنان که به کسالت محروم از سعادتند و آنان که به کاری نکرده اعتماد کنند و پاداش خواهند.)

۲. نهج البلاغه، خطبه ۴۲. (همانا بر شما از دو چیز می‌ترسم، هواپرستی و آرزوهای طولانی.)

۳. بیانات در دیدار زائرین و مجاورین حرم مطهر رضوی، ۱۳۷۱/۰۱/۱۵.

تسلیم شدن و ظلم‌پذیری در میان ملت‌ها، ناشی از همین پیروی از هواهای نفسانی و تسلیم شدن در مقابل خواهش نفس است. اگر انسان این قدرت را بیابد که بر خواهش نفس غلبه پیدا بکند، انسان رستگاری شده است.^۱ عبادات اسلامی و بیش از همه نماز، برای زدودن این آفت از جان آدمیان، از جمله درمان‌های مؤثر و کارآمد میباشند.^۲

۱۳. حب دنیا

دنیا عبارت است از همین طبیعت عظیمی که خدای متعال خلق کرده است و در اختیار انسان‌ها قرار داده است؛ دنیا یعنی این. همه این مواهبی که خدای متعال در عرصه گیتی آفریده است، مجموعه چیزهائی هستند که دنیا را تشکیل می‌دهند. اولش عمر خود ماست. درآمدهای دنیوی و حاصل تلاش‌های دنیوی، این‌ها همه دنیاست؛ فرزند، دنیاست؛ مال، دنیاست؛ علم، دنیاست؛ منابع طبیعی، دنیاست؛ این آب‌ها، این ذخائر معدنی، همه این چیزهائی که در عالم طبیعت انسان ملاحظه می‌کند، این‌ها همین دنیا هستند؛ یعنی چیزهائی که اجزاء زندگی این جهانی ما را تشکیل می‌دهد. کجای این بد است. یک دسته از آثار شرعی و اسلامی و معارفی به ما می‌گوید که دنیا را آباد کنید: «خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا»^۳ بروید دنیا را تحقق ببخشید، آباد کنید، بهره‌برداری از نعم طبیعی را برای خودتان، برای مردم آماده کنید. یک دسته از روایات این‌هاست: «الدُّنْيَا مَرْعَى الْأَخْرَةِ»^۴... از این قبیل تعبیرات وجود دارد که این‌ها همه نگاه مثبت به دنیا را نشان می‌دهد.

یک دسته از بیانات اسلامی و معارفی ما هم، دنیا را رأس خطایا و ریشه گناهان به حساب می‌آورد. ماحصل مطلبی که از این دو مجموعه معارفی به دست می‌آید، حرف روشنی است - البته بحث‌های تحلیلی و عمیق برای این کارها باید بشود و لازم است و شده؛

۱. خطبه عید سعید فطر، ۱۳۷۸/۱۰/۱۸.

۲. پیام به مراسم افتتاح دهمین اجلاس سراسری نماز، ۱۳۷۹/۶/۲۲.

۳. سوره مبارکه البقره، آیه ۲۹. (آنچه در زمین است همه را برای شما آفرید).

۴. عوالی اللثالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة، جلد ۱، صفحه ۲۶۷. (دنیا کشتگاه آخرت است).

بحث‌های خوبی هم انجام گرفته است - اما خلاصه مطلب این است که خدای متعال این سفره طبیعت را برای افراد انسان گسترده است و همه آحاد انسان را سفارش کرده است، دستور داده است که این مانده طبیعی الهی را هر چه می‌توانند بالفعل‌تر، آماده‌تر، رنگین‌تر در اختیار افراد بشر قرار بدهند و خودشان هم بهره ببرند؛ لکن یک حدود و ضوابط و قواعدی بر این حاکم است؛ یک منطقه ممنوعه‌ای وجود دارد. دنیای ممدوح این است که انسان این سفره طبیعی الهی، این موهبت الهی را آنچنانی که ضوابط و قواعد الهی دستور داده است، بر طبق او رفتار کند، از حدود و ضوابط تخطی نکند، در مناطق ممنوعه قدم نگذارد. دنیای مذموم آن است که انسان این متاعی را که خدای متعال برای افراد بشر قرار داده است، برای خود بخاهد، سهم خود را افزون‌تر از دیگران بخاهد، به سهم دیگران دست‌اندازی کند، دلبستگی پیدا کند که این دلبستگی به مقتضای «حب الشیء یُعمی و یُصِمُّ»^۱ انسان را کر و کور میکند؛ تا آن‌جا که در راه به‌دست آوردن چیزی که عاشق و دلبسته آن هست، هیچ خط قرمزی و هیچ حد و حدودی را رعایت نمی‌کند؛ این میشود دنیای مذموم. دلبستن به دنیا، سهم‌خواهی بیش از اندازه خود، بیش از حق خود، دست‌اندازی به سهم دیگران، تجاوز به حقوق دیگران؛ این میشود آن دنیای مذموم. مال، دنیاست؛ مقام، دنیاست؛ قدرت، دنیاست؛ محبوبیت، دنیاست؛ نعم دنیا، لذات طبیعی، این‌ها همه دنیاست. اسلام و ادیان الهی به‌طور کلی بهره‌برداری از این دنیا را برای انسان مباح قرار دادند اما دست‌اندازی به حق دیگران، به هم زدن قواعد و قوانین این عالم طبیعت، ظلم کردن به دیگران، خود را غرق در این متاع دنیا کردن و از هدف اصلی و نهائی غافل ماندن را ممنوع دانسته‌اند، مذموم دانسته‌اند. این دنیا وسیله تعالی و تکامل است، هدف نباید قرار بگیرد؛ به این‌که توجه نشد، این دنیا میشود مذموم.

... شما اگر سرتاپای نهج‌البلاغه را نگاه کنید، ببینید آنچه که امیرالمؤمنین درباره بی‌رغبتی به دنیا، دل‌نبستن به دنیا، زهد در دنیا بیان فرموده است، از همه آنچه که در

۱. بحارالأنوار، ج ۷۴، ص ۱۶۶. (علاقه شدید به چیزی آدمی را کور و کر میکند.)

نهج البلاغه بیان کرده است، بیشتر است؛ این به خاطر همین است. وَاَلَا امیرالمؤمنین کسی نبود که از دنیا گوشه‌گیری کند، انزال از دنیا داشته باشد؛ نه، برای آبادی دنیا یکی از فعال‌ترین آدم‌ها بود؛ چه در زمان خلافت، چه بعد از خلافت، امیرالمؤمنین جزو کسانی نبود که کار نکنند، دنبال تلاش نروند؛ چرا. معروف است آن وقتی که امیرالمؤمنین در مدینه زندگی میکردند - قبل از خلافت - باغستان‌هایی را به دست خودش به وجود آورده بود؛ آب جاری کرده بود؛ نخل به وجود آورده بود. پرداختن به دنیا و به طبیعتی که خدای متعال در اختیار انسان گذاشته است و اداره معیشت مردم، اداره امور اقتصادی مردم، فراهم کردن وسائل رونق اقتصادی، این‌ها همه کارهای مثبت و لازم و جزو وظائف فرد مسلمان و مدیران اسلامی است. امیرالمؤمنین یک چنین آدمی بود اما خود او هیچ دلبستگی نداشت. این وضع امیرالمؤمنین و برنامه تربیت اخلاقی امیرالمؤمنین است.

علاج دنیاپرستی را هم امیرالمؤمنین در خطبه متقین بیان فرموده است: «عظم الخالق فی أنفسهم فصغر ما دونه فی أعینهم»^۱ علاج دلبستن و مجذوب شدن به دنیا این است که انسان تقوا پیشه کند که از خواص تقوا یکی همین است که «عظم الخالق فی أنفسهم»؛ خدا در دل انسان، در جان انسان آنچنان جایگاهی پیدا میکند که همه چیز در نظر او کوچک میشود. این مقامات دنیوی، این اموال، این زیباییها، این جلوه‌های زندگی مادی، این لذت‌های گوناگون در نظر انسان حقیر میشود و بر اثر عظمت یاد الهی در دل انسان، اهمیت پیدا نمیکند.^۲

۱۴. تکبر

یکی از صفاتی که مانع راه کمال انسانی است و در قرآن به عبارات گوناگون و در جاهای فراوان و همچنین در روایات و فرمایش‌های ائمه علیهم‌السلام نسبت به آن

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۹۳. (خداوند در باطنشان بزرگ، و غیر او در دیدگانشان کوچک است).

۲. خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۸۷/۰۶/۳۰.

صفت پرهیز داده شده‌ایم و برحذر داشته شده‌ایم، صفت تکبر و خودبزرگ بینی است. این صفت برای پیشرفت انسان در مدارج معنوی، چیز بسیار خطرناکی است... تکبر حالتی است که اگر در کسی وجود داشت، او دچار خودشگفتی میشود و وقتی خودش، کارش، معلوماتش و خصوصیاتِ فردیش را مورد توجه قرار میدهد، حس اعجاب به او دست میدهد و به نظرش بزرگ و زیبا و مطلوب می‌آید. شاید بشود گفت که بزرگترین مانع و بدترین درد و بیماری در راه تکامل بشری، عبارت از خود را بزرگ دیدن، خود را پاک و بی‌غش دیدن، خود را قدرتمند و توانا دیدن و خود را برتر از دیگران مشاهده کردن است.^۱

در دعای مکارم‌الاخلاق میخوانید: خدایا! به من عزت بده، به من جاه بده؛ ولی... من را مبتلای به غرور نکن. من را به عبادت موفق بکن؛ ولی مبتلای به عجب نکن. یعنی حتی در اثنای عبادت، این دوراهی هست. لحظه‌ی خودشگفتی «این منم»، همان لحظه‌ی است که از این جاده‌ی مستقیمِ مبارکِ خوش‌عاقبت، به یک جاده‌ی پُررنج و گمراه‌کننده می‌لغزیم. این، نقطه‌ی انحراف است؛ باید به این توجه کرد.^۲

قدم اول در راه خدا، شکستن خویشتن و خود را فقیر و تهیدست مطلق دیدن است. یعنی انسان در عین قدرت و ثروت و علم و برخورداری از مزایا و محاسن و خصوصیات مثبت و در اوج دارایی و توانایی، واقعاً - نه به صورت تعارف - خود را در مقابل خدا، نیازمند و تهیدست و محتاج و کوچک و حقیر ببیند. این، آن روحیه کمال انسانی است که البته باید با تمرین به این جاها رسید.^۳ اگر کسی برای خدا تواضع کند، خداوند روحاً و خُلقاً او را بالا برده و مشمول کرامات خود قرار میدهد.^۴

نماز، آنگاه که با حال و حضور و آداب، گزارده شود روح آدمی را به نیازمندی ذاتی وی آشنا میسازد، و ریشه کبر و تفاخر و جبروت موهوم را در درون او میسوزاند. خشوع در

۱. پیام به مناسبت برگزاری دهمین اجلاس سراسری نماز، ۱۳۷۹/۰۶/۱۹.

۲. بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۶۹/۰۹/۱۴.

۳. سخنرانی در دیدار اقشار مختلف مردم در روز بیست‌وسوم ماه مبارک رمضان، ۱۳۶۹/۰۱/۳۰.

۴. شرح حدیث نقل شده در جلسه درس بیست و چهارم، ۱۳۷۸/۸/۲۴.

برابر پروردگار، نور بصیرت را بر دل او میتاباند و سایه‌ی وهم‌آلود خود بزرگ‌بینی را از آن میزداید.^۱

۱۵. حسد

اگر حسد در وجود ما چنان ریشه دوانیده باشد که به‌خاطر آن، زیبا را زشت ببینیم و حاضر نباشیم حقیقت درخشانی را در جایی تصدیق کنیم؛ اگر حبِ شهرت، حبِ مقام و حبِ مال، ما را از پذیرش حقیقت باز دارد، این جاست که پذیرای صفات خطرناکِ گمراه‌کننده شده‌ایم.^۲

بیماری حسد میگوید چرا من تسلیم حرف کسی بشوم که از قبیله بنی‌هاشم است؟ یا چرا این کسی که از فلان قشر است پیش برود و من پشت سر او بروم؟ چرا اینکه پدر و مادرش کسی نیستند، کسی بشود و من دنباله‌رو او بشوم؟ یا چگونه از افکار پدر و مادر خود دست بردارم، و چطور از دانسته‌ها و شنیده‌ها رو برگردانم؟^۳

۱۶. ذکر و یاد خدا

روی دل خودتان باید اثر بگذارید. ما باید دل خودمان را خیلی اوقات مخاطب قرار بدهیم. یکی از اهل معنا گفته بود من روزی چند هزار مرتبه فلان ذکر را بر این دل خفته‌ی غافل خودم خواندم؛ چه تعبیر خوبی است. نماز همان ذکر است، همان آب حیاتی است که انسان به دل خود میبخشد؛ نماز با توجه؛ توجه به معنا، توجه به اینکه در مقابل خدا قرار داریم. نماز را این‌طوری بخوانید. وقتی به نماز می‌ایستید، به یاد بیاورید که در مقابل خداوند متعال ایستاده‌اید و دارید با او حرف میزنید. در سرتاسر نماز سعی کنید این حالت حفظ بشود، آن وقت این نماز اثر میگذارد و دل انسان را مثل

۱. پیام به مناسبت برگزاری دهمین اجلاس سراسری نماز، ۱۳۷۹/۰۶/۱۹.

۲. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه، ۱۳۷۳/۱۱/۱۴.

۳. بیانات در جلسه سیزدهم تفسیر سوره بقره، ۱۳۷۰/۰۸/۲۹.

اکسیر عوض میکند. اکسیر ماده‌ی کیمیایی است که میگویند مس را طلا میکند. دل ما از مس هم که باشد، اکسیر ذکر آن را به طلا تبدیل میکند. این، خیلی مهم است.^۱

۱۷.

تقوا و گناه

جوان باید مظهر پرهیز و استغفار باشد. در دنیای امروزی، جوانان گرفتارند. آنها چوب ناپرهیزبهایشان را میخورند.^۲ اگر میبینید هیپیگری و انواع و اقسام بدبختیها از سی یا چهل سال قبل تا به امروز در دنیای غرب ادامه دارد و گریبان خانواده‌ها و جوامع اروپایی و امریکایی را گرفته است، به جهت دوری از خدا و غفلت از استغفار و ناپرهیزی در ارتکاب گناهان است. این مسأله هم دلایل متعددی دارد. عمده‌اش آن است که این جوامع، جوانان خود را از لحاظ معنوی سیراب نمیکنند. جوان به دنبال سیراب شدن از سرچشمه‌ای زلال است و اگر آن سرچشمه را پیدا نکند، به انحراف مبتلا خواهد شد.^۳ خصوصیت روزه عبارت است از کفّ نفس. روزه، مظهر کفّ نفس است؛ ...مظهر صبر در مقابل گناه و غلبه‌ی مشتتهیات، روزه است. لذا در روایات، ذیل آیه‌ی شریفه‌ی «وَأَسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ»^۴ صبر را به روزه تعبیر کرده‌اند. روزه، مظهر گذشت از خواسته‌هاست. اگرچه زمان روزه محدود است - چند ساعت در روز، آن هم چند روز در سال - لیکن به صورت نمادین، یک حرکت اساسی برای انسان است. چرا؟ چون هواهای نفسانی و هوسها و مشتتهیات و خواسته‌های نفس، همان مسیری است که انسان را به گناه می‌رساند. این‌طور نیست که مشتتهیات نفسانی با گناه ملازم و از یکدیگر اجتناب‌ناپذیر باشند؛ نه، بعضی از مشتتهیات نفسانی هم حلال است. اما این‌که انسان دهنه‌ی نفس را بردارد، نفس خود را بی مهار و بی دهنه رها کند و اسیر مشتتهیات آن

۱. بیانات در دیدار اعضای انجمن‌های اسلامی دانش‌آموزان، ۱۳۸۶/۰۲/۱۹.

۲. بیانات در دیدار جمعی از دانش‌آموزان و دانشجویان، ۱۳۷۴/۰۸/۱۰.

۳. همان

۴. سوره مبارکه البقره، آیه ۴۵. (از شکیبایی و نماز یاری جوید).

شود، همان چیزی است که امیرالمؤمنین علیه الصلوة والسلام در نهج البلاغه فرمودند: « حَمَلٌ عَلَيْهَا أَهْلُهَا^۱ » او را روی اسب سرکشی انداخته‌اند که دهنه‌ی آن دست این شخص نیست و اسب سرکش هم او را میبرد به پرتگاه پرتاب میکند. هوای نفسانی انسان را به سمت گناهان میکشد.^۲

۱۸. قرائت آیات مربوط به قیامت

آیات مربوط به قیامت خیلی تکان دهنده است. من پیشنهاد میکنم هر کدام به تنهایی آیات قیامت را مرور کنیم؛ چون به آن احتیاج داریم. این دیگر از چیزهایی نیست که انسان بتواند آن را ثبت کند و آمار بدهد. صدها آیه در قرآن درباره‌ی قیامت وجود دارد؛ هم بشارتهای قیامت هست، هم تهدیدهای آن؛ هر دو تکان دهنده است. بشارتهای قرآن هم تکان دهنده و جذاب و شوق آفرین است؛ تهدیدهای قرآنی هم تکان دهنده است و دل انسان را آب میکند.^۳

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۶. (سواره‌های خود را به پیش میبرند).

۲. بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۸۳/۰۸/۰۶.

۳. همان

فصل چهارم: عوامل خانوادگی موثر در تربیت

مسئله‌ی خانواده، مسئله‌ی بسیار مهمی است؛ پایه‌ی اصلی در جامعه است، سلول اصلی در جامعه است. نه اینکه اگر این سلول سالم شد، سلامت به دیگرها سرایت میکند؛ یا اگر ناسالم شد، عدم سلامت به دیگرها سرایت میکند؛ بلکه به این معناست که اگر سالم شد، یعنی بدن سالم است. بدن که غیر از سلولها چیز دیگری نیست. هر جهازی، مجموعه‌ی سلولهاست. اگر ما توانستیم سلولها را سالم کنیم، پس سلامت آن جهاز را داریم.^۱ خانواده بنیاد بسیار مهم و حایز اهمیتی است. فایده‌ی خانواده در تربیت نسل بشر و ایجاد انسانهای سالم از لحاظ معنوی و فکری و روانی یک فایده‌ی منحصر به فردی است. هیچ چیز جای خانواده را نمیگیرد...وقتی نظام خانواده وجود داشته باشد، این میلیاردها انسان، هر کدامشان دو مکمل و دو پرستار را نمیگیرد.^۲

۱. بیانات در سومین نشست اندیشه‌های راهبردی، ۱۳۹۰/۱۰/۱۴.

۲. بیانات در خطبه‌ی عقد، ۱۳۸۱/۱۰/۴.

۱۹. نقش اساسی خانواده در تربیت نسل

خانواده یک محیط امنی است که در آن چه فرزندان و چه خود پدر و مادر میتوانند روح و فکر و ذهن خود را در این محیط امن و قابل اعتماد، سالم نگهدارند و رشد بدهند. وقتی خانواده سست شد، نسلهایی که همین طور پشت سر هم می آیند، بی حفاظاند.^۱ انسان برای تربیت است؛ انسان برای هدایت و تعالی و کمال است. این نمیشود مگر در یک محیط امن؛ محیطی که در آن عقده به وجود نیاید، انسان اشباع بشود، در آن تعلیمات هر نسلی به نسل بعد منعکس بشود و از کودکی یک انسان تحت تعلیم صحیح، روان، طبیعی و فطری دو معلم که نسبت به او از همه‌ی انسانهای عالم مهربان‌ترند یعنی پدر و مادر قرار بگیرد.^۲

اگر خانواده‌ای در جامعه نباشد، همه تربیتهای بشری و همه نیازهای روحی انسانها ناکام خواهد ماند زیرا طبیعت و ساخت بشری این گونه است که جز در آغوش خانواده و در محیط خانواده و در آغوش پدر و مادر آن تربیت سالم و کامل و بی‌عیب و بی‌عقده و آن بالندگی لازم روحی پیدا نخواهد شد. انسان زمانی از لحاظ روحی و عاطفی، صحیح و سالم و کامل بار خواهد آمد که در خانواده بار بیاید و در خانواده تربیت شود. اگر محیط زندگی آرام و مناسبی در خانواده حکم‌فرما باشد، میتوان خاطر جمع شد که فرزندان از لحاظ ساختار عاطفی و روانی سالم هستند.^۳

در خانواده، سه دسته انسان اصلاح می‌شوند، یکی مردها که پدران این خانواده هستند، یکی زنها که مادران این خانواده‌اند و دیگر کودکان که نسل بعدی این جامعه هستند.^۴

۱. بیانات در خطبه‌ی عقد، ۱۳۷۶/۱۲/۱۸.

۲. بیانات در خطبه‌ی عقد، ۱۳۷۶/۵/۲۰.

۳. بیانات در خطبه‌ی عقد، ۱۳۷۴/۵/۱۱.

۴. بیانات در خطبه‌ی عقد، ۱۳۷۴/۲/۱۹.

۲۰. خانواده، اساس اصلاحات واقعی در جامعه

خانواده‌ی خوب یعنی، زن و شوهری که با هم مهربان باشند، با وفا و صمیمی باشند و به یکدیگر محبت و عشق بورزند، رعایت همدیگر را بکنند، مصالح همدیگر را گرامی و مهم بدانند، این در درجه اول.

بعد، اولادی که در آن خانواده به وجود می‌آید، نسبت به او احساس مسئولیت کنند، بخواهند او را از لحاظ مادی و معنوی سالم بزرگ کنند. بخواهند از لحاظ مادی و معنوی او را به سلامت برسانند، چیزهایی به او یاد بدهند؛ به چیزهایی او را وادار کنند، از چیزهایی او را بازدارند و صفات خوبی را در او تزریق کنند. یک چنین خانواده‌ای اساس همه اصلاحات واقعی در یک کشور است. چون انسانها در چنین خانواده‌ای خوب تربیت میشوند، با صفات خوب بزرگ میشوند. با شجاعت، با استقلال عقل، با فکر، با احساس مسئولیت، با احساس محبت، با جرئت، جرئت تصمیم‌گیری، با خیرخواهی - نه بدخواهی. با نجابت، خب وقتی مردم جامعه‌ای این خصوصیات را داشته باشد، این جامعه دیگر روی بدبختی را نخواهد دید.^۱

۲۱. انتقال فرهنگ در نتیجه تربیت صحیح خانواده

انتقال فرهنگها و تمدنها و حفظ اصول و عناصر اصلی یک تمدن و یک فرهنگ در یک جامعه و انتقالش به نسلهای پی‌درپی، به برکت خانواده انجام میگیرد.^۲ اساس ازدواج و مهمترین مصلحت ازدواج، عبارتست از تشکیل خانواده. علت هم این است که اگر خانواده سالمی در یک جامعه‌ای وجود داشته باشد، آن جامعه سالم خواهد شد و موارث فرهنگی خودش را به صورت صحیح منتقل خواهد کرد. در آن جامعه

۱. بیانات در خطبه عقد، ۱۳۷۷/۹/۱۲.

۲. بیانات در خطبه عقد، ۱۳۷۷/۱/۲۶.

تربیت کودکان به بهترین وجه صورت میبگیرد. لذاست که در آن کشورها و جوامعی که خانواده دچار اختلال میشود معمولاً اختلالات فرهنگی - اخلاقی به وجود می‌آید.^۱ اگر نسله‌ها بخواهند فرآورده‌های ذهنی و فکری خود را به نسله‌های بعدی منتقل کنند و جامعه از گذشته خودش بخواهد سود ببرد، این فقط با خانواده ممکن است. در محیط خانواده است که اول بار همه‌ی هویت و شخصیت یک انسان بر اساس فرهنگ آن جامعه شکل میگیرد و این پدر و مادرند که به طور غیرمستقیم و بدون اینکه خود آنها تصنعی به کار ببرند، به طور طبیعی محتوای ذهن و فکر و عمل و معلومات و اعتقادات و مقدسات و اینها را به نسل بعدی منتقل میکنند.^۲

۲۲. اثر بی‌مبالاتی والدین

گاهی انسان با دست و زبان بی‌مهاری و بیرون از کنترل و با عمل غلطِ خودش کاری میکند که جوان خود را از دین و مبانی دینی و اعتقادات و اصول دور میکند؛ او را بی‌اعتقاد میکند. ما چنین کسانی را داشتیم؛ از هر دو طرف هم ممکن است. گاهی با سختگیریهای بیجا - که بنده به سختگیریهای بیجا اصلاً توصیه نمیکنم - و گاهی هم با برخورد تند و تلخ و ترش، بعضیها بچه‌ها را زده میکنند؛ بعضی هم از آن طرف با بی‌مبالاتیها و لاپالیگریها و امکانات بی‌حساب در اختیار بچه‌ها گذاشتن و از هر غلط آنها با اغماض چشم‌پوشی کردن، بچه‌ها را با دست خود طرد میکنند؛ در نتیجه بچه فاسد و خراب میشود. باید با منطق و برخورد صحیح و مهربانانه با فرزندان برخورد کرد. «قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ»^۳؛ جوان و همسران را باید حفظ کنید؛ این جزو وظایف شماست. این، اثر تشدید کننده دارد؛ یعنی وقتی در خانواده‌یی، جوان یا یک عضو خانواده خدای نکرده نقطه‌ی ضعیفی پیدا کرد؛ مثل لکه‌ی سیاهی شد روی دندان، و مینای دندان در این نقطه خراب شد، بتدریج روی ذهن مخاطبهای خودش و پدر و مادرش اثر میگذارد

۱. بیانات در خطبه عقد، ۱۳۷۸/۱/۱۶.

۲. بیانات در خطبه عقد، ۱۳۷۹/۱۰/۱۵.

۳. سوره مبارکه تحریم، آیه ۶، ترجمه: خودتان و کسانتان را حفظ کنید.

و همین‌طور اثرهای متقابل تشدیدکننده دارد؛ در نتیجه آن حقیقت و معنویت را از دست میدهد.^۱

۲۳. جایگاه مادر

مادر است که فرهنگ و معرفت و تمدن و ویژگی‌های اخلاقی یک قوم و جامعه را با جسم خود، با روح خود، با خلق خود و با رفتار خود، دانسته و ندانسته به فرزند منتقل میکند. همه تحت تأثیر مادران هستند. آن که بهشتی میشود، پایه‌ی بهشتی شدنش از مادر است.^۲ بهترین روش تربیت فرزند انسان، این است که در آغوش مادر و با استفاده از مهر و محبت او پرورش پیدا کند.^۳

۲۴. رخنه در خانواده

گاهی اوقات یک رخنه‌ی کوچک در درون خانواده، ما را تغییر میدهد. امیرالمؤمنین فرمود: زبیر با ما بود، از ما اهل بیت بود، واقعاً هم همین جور بود. میدانید بعد از رحلت پیغمبر، در مسجد، در پای منبر خلیفه‌ی اول - جناب ابوبکر - حدود ده نفر از صحابه بلند شدند و صریحاً از امیرالمؤمنین دفاع کردند؛ گفتند این جایی که شما نشسته‌ای، حق علی بن ابی طالب است. یکی از آن ده نفر، زبیر بود! زبیر، رفیق دوران عشرت نبود؛ رفیق دوران محنت بود. امیرالمؤمنین فرمود: زبیر همواره با ما بود، ...تا پسرش عبدالله بزرگ شد، آمد توی عرصه، در تصمیم‌گیری‌ها دخالت کرد؛ آن وقت او عوض شد. زبیر همانی شد که آمد در مقابل امیرالمؤمنین شمشیر کشید! گاهی اوقات یک رخنه‌ی کوچک در درون خانواده، یک چنین اثر بسیار مهمی میگذارد. لذا باید جلوی این رخنه

۱. بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۸۳/۰۸/۰۶.

۲. بیانات در دیدار جمعی از مداحان، ۱۳۸۴/۰۵/۰۵.

۳. بیانات در اجتماع زنان خوزستان، ۱۳۷۵/۱۲/۲۰.

را گرفت؛ و این هم جز با توکل به خدای متعال، جز با ذکر، جز با توجه، امکان‌پذیر نیست.^۱

۲۵. حفاظت وصیانت از اعضای خانواده

به خانواده‌های خودتان هم برسید؛ به زن، به فرزند برسید. گاهی آنها بهتر از ما هستند، گاهی هم احتیاج دارند به این که ما حفظشان کنیم. اگر بهتر از ما بودند، کاری نکنیم که خراب شوند؛ اگر دیدیم خدای نکرده طوری هستند که احتیاج به کمک ما دارند، کمکشان کنیم؛ مراقب باشید. «قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ»^۲ از آتشی که آتشگیره‌ی آن انسانها و سنگها هستند، خودتان و زن و بچه‌ی‌تان را حفظ کنید؛ معلوم میشود که وظیفه‌ی حفظ زن و بچه هم به عهده‌ی ماهاست. البته این کارها با کمک خود خدای متعال میسر میشود؛ این را هم بدانیم. خداوند خودش باید کمک کند؛ باید از خدا همین را بخواهید.^۳

۲۶. عدالت خانوادگی

عدالت صرفاً در اقتصاد نیست؛ در همه‌ی امور بایستی انسان از خدای متعال بخواهد که عادلانه عمل کند؛ با خودش هم انسان با عدالت رفتار کند؛ با نزدیکانتان با عدالت رفتار کنید؛ با زن و فرزندان با عدالت رفتار کنید. گاهی بعضی از مسئولین دیدیم آنچنان غرق در کار میشوند که یادشان می‌رود از وجود همسرانشان و فرزندان؛ و این ضایعاتی را درست میکند. یعنی اینجور نیست که ما پای تعارف باشد، بگوئیم: آقا! خواهش میکنیم بیشتر شما به خودتان برسید، شما هم بگوئید نه، اشکال ندارد. اینجوری نیست. این یک تکلیفی است که انسان بایستی همسرش، فرزندان، خانواده‌اش و کانون

۱. بیانات در دیدار سفر و رؤسای نمایندگی‌های سیاسی ایران در خارج از کشور، ۱۳۹۰/۱۰/۰۷.

۲. سوره مبارکه التحريم، آیه ۶ (خودتان و کسانتان را از آتشی که سوخت آن مردم و نگاهاست حفظ کنید).

۳. بیانات در دیدار وزیر و مدیران وزارت اطلاعات، ۱۳۸۳/۰۷/۱۳.

خانوادگی را حفاظت بکند. «قوا انفسکم و اهلیکم نارا و قودها الناس و الحجارة»^۱ خودتان و اهلتان را حفظ کنید. یعنی در کنار خود انسان ذکر شده.^۲

۱. سوره مبارکه التحريم، آیه ۶ (خودتان و کسانتان را از آتشی که سوخت آن مردم و نگاهاست حفظ کنید).

۲. بیانات در دیدار اعضای هیئت دولت، ۱۳۸۸/۰۶/۱۶.

فصل پنجم: اخلاق حرفه‌ای و نقش گروه‌ها و نهادها در اخلاق

ما در مساجد و منابر، در مجالس قرآن و در همه‌ی اجتماعات دینی که مردم دارند، باید مردم را انذار کنیم... باید روح معنویت را در مردم بیدار کرد... از خودمان هم باید شروع کنیم. مردم به عمل ما نگاه میکنند. روحانی، آن وقتی سخن نافذ خواهد داشت که عملاً نشان بدهد به زخارف دنیا بی اعتناست و آن حرصی که بر دل‌های دنیا داران و دنیامداران حاکم است، بر او حاکم نیست. این را باید به مردم نشان بدهیم. روحانیت، در سایه‌ی پارسایی بود که این حیثیت و آبرو را پیدا کرد. این پارسایی و بی‌اعتنایی به دنیا و به زخارف، باید حفظ شود.^۱

۲۷. مسئولین

باید بنای این مجموعه انسانی و نیز سازماندهی و جهت‌گیری و تعامل درونش با بیرونش، براساس دین و اخلاق باشد. در مجموعه نظام جمهوری اسلامی، از دین و

۱. بیانات در دیدار جمعی از روحانیون، ۱۳۶۹/۱۲/۲۲.

اخلاق تهی ماندن، یک علامت صد در صد منفی است. هر کس که دین و اخلاق را بیشتر دارد، به لب و حقیقت جمهوری اسلامی نزدیکتر است.^۱

همه‌ی مسئولین طراز اول کشور این را از امام شنیده بودند که بایستی آماده باشیم؛ اگر چنانچه از ما عیب گرفتند، نگوئیم ما بالاتر از اینیم که عیب داشته باشیم، بالاتر از اینیم که به ما انتقادی وارد باشد. خود امام هم همین جور بود. ایشان، هم در نوشته‌های خود - بخصوص در اواخر عمر شریفش - هم در اظهارات خود، بارها گفت من در فلان قضیه اشتباه کردم. اقرار کرد به این که در فلان قضیه خطا کرده است؛ این خیلی عظمت لازم دارد.^۲

در جمهوری اسلامی، همه‌ی قشرها، چه کسانی که مسؤولیتی در نظام جمهوری اسلامی دارند - که البته نسبت به اینها، تکلیف سنگینتر و فوریت و واجبتر است - چه مردم معمولی جامعه که سمت و منصب و شغل و اعتباری ظاهری را یدک نمیکشند، اگر سعی کنند همین یک خصوصیت را - تواضع، زدودن روح تکبر و استعلا و علو، که موجب طغیان است - در خودشان به وجود آورند، بسیاری از مشکلات حل خواهد شد و جامعه، جامعه‌ی حقیقتاً اسلامی خواهد شد. باید این کارها را بکنیم؛ منتظر چه هستیم؟^۳

۲۸. دولت

اگر دولت ما اسلامی شد، آن وقت کشورمان اسلامی خواهد شد. اگر من و شما در معاشرت‌مان، در رفتارمان، در طلب مالمان، در مجاهدتمان، نتوانستیم خود را به حد نصاب برسانیم، از آن دانشجو، از آن جوان بازاری، از آن عنصر در رده‌های پایین دولتی، از آن کارگر، از آن روستایی، از آن شهری چه توقعی میتوانیم داشته باشیم که اسلامی

۱. بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان و کارکنان ارتش، ۱۳۷۶/۰۱/۲۷.

۲. بیانات در مراسم بیست و دومین سالگرد رحلت امام خمینی (قدس سره)، ۱۳۹۰/۰۳/۱۴.

۳. سخنرانی در دیدار افشار مختلف مردم در روز بیست‌وسوم ماه مبارک رمضان، ۱۳۶۹/۰۱/۳۰.

عمل کنند؟ چرا مردم را بیخود ملامت میکنیم؟ نباید ملامت کنیم. اگر کمبودی هست، خودمان را باید ملامت کنیم؛ «لَوْ مَوْا أَنْفُسَكُمْ»^۱.

اول، ما اسلامی میشویم؛ وقتی اسلامی شدیم، «کونوا دعاة الناس بغير السننکم»^۲ آن وقت عمل ما مردم را مسلمان واقعی خواهد کرد و کشور، اسلامی خواهد شد؛ هم احکام و مقررات اسلامی است، هم اجرا اسلامی است، هم دولتمردان اسلامی اند، هم مردم به تبع حال و به تبع دولتمردان از لحاظ اخلاقی اسلامی خواهند شد. البته شیطان نمیبرد؛ شیطان زنده است. همیشه عده‌ای، جریانی، مجموعه‌هایی هستند که تسلیم شیطان بشوند؛ اما شکل کلی، اسلامی خواهد شد.^۳

۲۹. مجلس

شما^۴ مثل یک قله هستید؛ آنچه از دل این قله میجوشد، بر دامنه و پیکره سرازیر میشود. رفتار، آداب، خُلقیات، چگونگی تعامل در مجلس شورای اسلامی، مثل بقیه‌ی قله‌هایی که در کشور وجود دارد، بر روی رفتار، آداب، اخلاق و منش آحاد جامعه اثر میگذارد؛ این یک امر طبیعی است، یک امر همیشگی است. اگر در مجلس، عقل و فکر و طمأنینه و سکینه و آرامش و محبت حکم فرما باشد و از بلندگوهای مجلس این قضیه در سطح جامعه منعکس شود، همین خصوصیات به تدریج در جامعه اثر میگذارد. اگر در مجلس تشنج باشد، بغض باشد، کم‌کاری باشد، این باز به نوبه خود در رفتار مردم منعکس میشود؛ این تأثیر، طبیعی است. این تأثیر، دفعی و برجسته و نمایان نیست، اما به مرور و به تدریج آثار خودش را نشان میدهد؛ این، مسئولیت مسئولان محترم را افزایش میدهد.

۱. سوره مبارکه ابراهیم، آیه ۲۲. (خود را ملامت کنید).

۲. بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج ۶۷، ص ۳۰۹. (مردم را به غیر از زبانان دعوت به دین کنید).

۳. بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت، ۱۳۸۴/۰۶/۰۸.

۴. نمایندگان مجلس شورای اسلامی

...رفتار نمایندگان در تربیت جامعه و سوق دادن جامعه به این طرف و آن طرف مؤثر است. اگر تقوا و امانت و اخلاق و احساس مسئولیت و نشاط کار، در مجلس دیده شود، این در جامعه اثر میگذارد؛ در درجه‌ی اول مردم را نسبت به نمایندگان مجلس علاقه مند و خوش بین و متعهد میکند، در درجه‌ی بعد رفتار آنها را به رفتار این نمایندگان عزیز - که خب قله هستند، چهره هستند، برجسته هستند - نزدیک میکند.^۱

۳۰. معلمان

معلم کاری میکند و رفتاری در پیش میگیرد که این اخلاق و وظیفه‌ی اسلامی، در جامعه به شکل رنگ ثابت درمی‌آید، با عقاید غلط مردم به مقابله برمیخیزد، با احساسات جاهلی و ته‌مانده‌های رسوب کرده‌ی اخلاق غیراسلامی مبارزه میکند و مقابل میشود، به جامعه و مردم شوک وارد میکند و در مقاطع مناسب و با روشهای مناسب، کاری میکند که فضای جامعه و محیط زندگی مردم، با این صفت و اخلاق و روش خوب کاملاً مزوج میشود. اگر یک جامعه بخواهد رشد کند و اخلاق صحیح اسلامی را در خود به‌وجود آورد، محتاج همین روش است.^۲

۳۱. حوزه و دانشگاه

بایستی به تربیت دینی و گرایشها و روحیه‌ی پُرشور انقلابی جوانان در دانشگاه اهمیت داد. فقط با زبان هم نمیشود. این کار، مقدماتی لازم دارد... در مراکز حساس و سربندهای اداره‌ی امور دانشگاهی - چه اداره به معنی رسمی آن و چه اداره‌ی امور فکری و تدریس و امثال اینها - کسانی که مسؤوَل میشوند و کارهای مهم دست آنهاست، واقعاً باید از عناصر انقلابی باشند. دیگران هم انگیزه‌ی ضدیت با انقلاب در آنها نباشد. اگر واقعاً کسی انگیزه‌ی مخالفت با انقلاب در وجودش باشد، حضور او در دانشگاه - در هر سطحی که باشد - مضر است؛ برای تحصیل هم مضر میباشد. من این واقعیت را در

۱. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۲/۰۳/۰۸.

۲. بیانات خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران، ۱۳۶۸/۰۷/۲۸.

بعضی از رشته‌هایی که میتوانستیم درباره‌ی آنها قضاوت کنیم، مشاهده کرده‌ام. استادی که توانایی تربیت شاگرد در آن رشته را دارد، ولی بر اثر بی‌اعتنایی یا مخالفت با انقلاب، حتی وقت نمیگذارد که دانشجو را در آن رشته تربیت کند، در حقیقت برای او، تربیت دانشجوی انقلابی و دانشگاه انقلاب، یک انگیزه نیست؛ بلکه نسبت به این قضیه ضد انگیزه دارد.^۱

تربیت دینی دانشجویان، بایستی یکی از اهداف مجموعه‌ی اساتید دانشگاهی کشور باشد. دانشجو را باید هم متدین و هم دارای باورهای ملی - همان اعتماد به نفس ملی که عرض کردیم - بار آورد. خلاف این را من گاهی از بعضی از دانشگاهها و بعضی از کلاسهای درس میشنوم. استادی می‌آید طوری درباره‌ی کشور حرف میزند که دانشجو از اینکه ایرانی است، بی‌زار میشود. این بی‌انصافی است.^۲

۳۲. رسانه

رسانه‌ها...میتوانند در ارتقای اخلاق و معنویت در میان انسانها مؤثر باشند و میتوانند انسانها را خوشبخت‌تر کنند؛...اگر در سطح بین‌المللی مدیریت و برنامه‌سازی رسانه‌ای بر اساس معیارهای اخلاق، فضیلت، برابری و تکیه‌ی بر مفاهیم واقعی انسانی باشد، ملتها سود خواهند برد...رسانه‌ها میتوانند به صورت اخلاقی و استدلالی، مفاهیم ملتها را میان یکدیگر تبادل کنند و دادوستد معنوی و اخلاقی و فرهنگی کنند؛ این مسئله‌ی بسیار ارزشمندی است.... اگر در مدیریت و برنامه‌سازی رسانه‌ای، دین، اخلاق و فضیلت حاکم باشد، یقیناً رسانه‌ها وضع بهتری خواهند داشت و وضع بشریت از آنچه که امروز هست، بهتر خواهد شد.^۳

۱. بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۶۸/۰۹/۲۱.

۲. بیانات در دیدار اساتید و اعضای هیأت علمی دانشگاهها، ۱۳۸۵/۰۷/۱۳.

۳. بیانات در دیدار مدیران و برنامه‌سازان رسانه‌ای کشورهای مختلف، ۱۳۸۵/۰۲/۲۶.

۳۳. لذت عاشقان

ذکر و یاد الهی، مراحلی دارد. ما آدمها همه در یک حد و در یک مرحله که نیستیم؛ رتبه ماها مختلف است. بعضی‌ها از لحاظ روحی در درجات بالا هستند؛ مثل اولیاء و انبیاء و صالحین و اهل دل و اهل معنا. بعضی هم هستند مثل امثال بنده و ماها که به آن سطوح دسترسی ندارند؛ بعضی‌مان خبر هم نداریم از آنچه که در آن سطوح هست. برای همه ما ذکر هست - هم برای آنها هست، هم برای ما هست - ذکر برای آنها، همانی است که در روایت از امیرالمؤمنین علیه‌الصلاة والسلام است که فرمود «الذکر مجالسة المحبوب»^۱ ذکر همنشینی با محبوب است. این برای اولیاست. لذت ذکر برای آنها لذت همنشینی است. امیرالمؤمنین سلام‌الله‌علیه در یک روایت دیگر میفرماید: «الذکر لذة المحبین»^۲ ذکر لذت عاشقان و محبان است. خوب، این مال آنهاست.

خوش به حال شماها اگر چنانچه در برخی حالات شبانه‌روز - به‌خصوص در این روزها و در این شب‌ها - جرقه‌ای، پرتوی از این حالت در زندگی شما بدرخشد؛ گاهی ممکن است پیش بیاید. البته مال آنها دائمی است. «خوشا آنان که دائم در نمازند»؛ این مال آنهاست. لکن کسانی که در رتبه‌های پایین‌تر هم هستند گاهی ممکن است جرقه‌ای بزند؛ باید اینها را قدر دانست. این حالا یک مرحله از ذکر است که مال محبین است؛ مال اهل دل است، لکن برای ما هم که در آن مرحله نیستیم ذکر فوائد عجیبی دارد.

۳۴. نقش ذکر در تربیت

...ذکر مثل مدافعی است که در مقابل هجوم این هوس‌ها، ما را و دل ما را محافظت میکند. دل خیلی آسیب‌پذیر است. ما دلمان، روحمان خیلی آسیب‌پذیر است. در مقابل چیزهایی تحت تأثیر قرار میگیریم؛ دل مجذوب به جاذبه‌های گوناگونی میشود. اگر بخواهیم دل - که جای خداست، جایگاه خداست. رفیع‌ترین مرتبه در وجود انسان، دل

۱. غررالحکم و درر الکلم، عبد الواحد بن محمد تمیمی، ص ۱۸۹، ح ۳۶۴۷.

۲. غررالحکم و درر الکلم، عبد الواحد بن محمد تمیمی، ص ۱۸۹ ح ۳۶۴۷.

انسان است؛ یعنی همان باطن و حقیقت وجودی انسان - سالم و پاکیزه بماند، مدافعی لازم است؛ این مدافع ذکر است. ذکر نمیگذارد که دل دستخوش تهاجم بی‌امان هوسهای گوناگون شود و از دست برود. ذکر دل را نگه میدارد که در فساد و در جاذبه‌های گمراه‌کننده غرق نشود.

در همین رابطه من روایتی را دیدم که خیلی پرمعناست؛ میفرماید: «الذَّاكِرُ فِي الْغَافِلِينَ كَالْمُقَاتِلِ فِي الْفَرَّانِ»^۱. در میدان جنگ، یک رزمنده را میبینید که دفاع میکند، ایستادگی ایستادگی میکند و از همه امکاناتش برای ضربه زدن به دشمن و جلوی تهاجم دشمن را گرفتن، استفاده میکند؛ اما رزمنده دیگر هم ممکن است باشد که بگریزد؛ طاقت تحمل از دست بدهد و از مقابل دشمن بگریزد. میفرماید: ذاکر در میان جمع غافل مثل همان سرباز رزمنده ایستادگی‌کننده است در میان کسانی که دارند فرار میکنند. ببینید این تشبیه و تنظیر به همین لحاظ است؛ چون او دارد در مقابل تهاجم بیگانه دفاع و ایستادگی میکند، ذکر شما هم دارد ایستادگی میکند؛ دارد از مرز دفاع میکند؛ از مرز دل شما دارد دفاع میکند. لذاست که شما در آیه شریفه قرآن که جزو آیات جهاد است، میبینید که میفرماید: «إِذَا لَقِيتُمْ فِئَةً فَاثْبُتُوا وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا»^۲ در میدان جهاد وقتی در مقابل تهاجم دشمن قرار گرفتید، ایستادگی کنید و ذکر کثیر خدا بکنید. «اثْبُتُوا وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا»^۳ ثبات قدم به خرج بدهید، ایستادگی کنید و ذکر خدا کنید. این ذکر خدا آن جا هم به درد میخورد. «لَعَلَّكُمْ تَفْلَحُونَ»^۴؛ که این وسیله‌ای است برای این که شما به فلاح و کامیابی دست پیدا کنید. ذکر خدا؛ چرا؟ چون این ذکر، دل را قرص میکند. دل که قرص شد، دل که ثبات پیدا کرد، قدم هم ثبات پیدا میکند. در میدان جنگ این جوری است. میدان جنگ قبل از آن که پاهای ما که سست‌عنصر هستیم، به طرف

۱. تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، جلد ۷، صفحه ۱۶۵. (کسی که در میان غافلان به یاد خدا باشد مانند کسی است که در میان فراریان از جنگ می‌جنگد.)

۲. سوره مبارکه الأنفال، آیه ۴۵. (چون با گروهی برخورد میکنید پایداری ورزید و خدا را بسیار یاد کنید.)

۳. همان

۴. همان

عقب جبهه مشغول دویدن و فرار شود، دل ما فرار کرده. این دل ماست که جسم ما را به فرار وادار میکند؛ وَاَلَا اگر دل ایستاده باشد، جسم می‌ایستد.

در همه میدان‌های جنگ - هم میدان جنگ نظامی، هم میدان جنگ سیاسی، هم میدان جنگ اقتصادی، هم میدان جنگ تبلیغاتی - ذکر خدا کنید که این ذکر خدا موجب فلاح و کامیابی شماست. ذکر خدا پشتوانه ثبات قدم است. بنابراین ذکر موجب میشود که ما بتوانیم در آن صراط مستقیم سلوک کنیم؛ پیش برویم. آن هدفی که ترسیم کردیم برای خودمان به‌عنوان مؤمن، به عنوان مسلمان، به‌عنوان پیرو یک مکتب مرفعی، به‌عنوان کسانی که انگیزه داریم برای برپا داشتن این بنای رفیعی که خبر از شکوفائی تمدن اسلامی در آینده و در قرون آینده میدهد، احتیاج داریم به ذکر خدا تا بتوانیم در این جاده حرکت کنیم... و این ذکر - ذکرالله - که بر دل ما حاکم شد، بدون تردید در رفتار ما اثر میگذارد؛ در انجام دادن آنچه که بر عهده ماست از وظائف و تکالیف، در اجتناب کردن و پرهیز کردن از آنچه که بر ما حرام و گناه است و موجب وزر و وبال و موجب غضب الهی است، اثر میگذارد و کمک میکند که از این‌ها دوری کنیم. خوب، حالا ذکر چیست؟ روایتی از حضرت اَبی عبدالله علیه‌السلام است؛ و روایت دیگری هم هست که آن روایت دوم بیشتر مورد توجه من بود؛ اما هر دو روایت را میخوانم. روایت اول از حضرت اَبی جعفر علیه‌السلام است؛ حضرت باقر سلام‌الله علیه فرمود: «ثَلَاثٌ مِنْ أَشَدِّ مَا عَمِلَ الْعِبَادُ!»؛ سه چیز هست که جزو تکالیف بسیار مهم و دشوار مؤمنین است؛ کارهای سخت. یکی «إِنصَافُ الْمُؤْمِنِ مِنْ نَفْسِهِ»؛ این که انسان در قبال دیگران انصاف به خرج بدهد. یعنی آن‌جائی که امر دائر میشود بین این که حق را به‌خاطر خود زیر پا بگذارد یا خود را به‌خاطر حق زیر پا بگذارد، این دومی را انجام بدهد. آن‌جائی که حق به طرف مقابل هست و شما حق ندارید، منصفانه حق را به او بدهید. خودتان را اگر چنانچه موجب کوچک شدن و زیر پا گذاشتن است، زیر پا بگذارید. این کار سختی

۱. بحار الأنوار، ج ۶۹ ص ۳۷۹، ح ۳۶. (سه چیز، از سخت ترین کارها برای بندگان است)

۲. همان (انصاف داشتن مؤمن در باره خود)

است اما کار مهمی است. امام باقر میگوید این جزو مهم‌ترین کارهاست؛ البته سخت است و هیچ کار خوب و بزرگی بدون سختی که امکان ندارد. دوم... مواسات ورزیدن با برادر مؤمن. مواسات با مساوات فرق دارد؛ برابری نیست. مواسات یعنی همراهی کردن و کمک کردن به برادر مؤمن در همه امور. انسان وظیفه بداند؛ کمک فکری، کمک مالی، کمک جسمانی، کمک آبرویی. این مواسات است. سوم... در همه حال ذاکر خدای متعال باشد. ذکر این است.^۱

۱. بیانات در دیدار با مسؤولان و کارگزاران نظام؛ ۱۳۸۶/۰۶/۳۱.

فصل ششم: خود سازی اخلاقی

بشر در حقیقت مجموعه‌ای از همین ملکات و صفات و خصال است. آن کسانی که صفات و خصال نفسانی و روحی آنها، صفات نیک است، با دست پُر از این دنیا میروند. اعمال عبادی، تقوای الهی و بقیه وظایفی که برعهده انسان است، در درجه نهایی برای این است که انسان بتواند خود را مجموعه‌ای از ملکات نورانی کند؛ خود را انسان واقعی بسازد و تشبّه به خدای بزرگ پیدا کند.^۱

۳۵. انجام واجبات، ترک محرمات

آن نگاه اسلام به انسان در خطاب فردی را همیشه در نظر داشته باشید. خودتان را حفظ کنید... جاده‌ای که انسان را به خدا و نورانیت میرساند، جاده‌ی ترک محرمات و بجا آوردن واجبات است. واجبات را اهمیت بدهید، گناهان را پرهیز کنید؛ تهذیب یعنی این.^۲

۱. بیانات در خطبه‌های نماز عید فطر، ۱۳۷۸/۱۰/۱۸.

۲. بیانات در دیدار دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۸۶/۰۲/۲۵.

۳۶. لزوم توجه به خودسازی

اصل قضیه هم همان طور که عرض کردیم، مراقبت از خود است. خودسازی و مراقبت از خود، اساس همه‌ی این کارهاست که می‌تواند ان شاء الله همه‌ی ما را هدایت کند و خدای متعال بایستی کمک کند. از خدای متعال بایستی کمک خواست، باید استغاثه کرد، باید به قرآن و دعا و تضرع پناه برد.^۱

به اخلاق خودمان هم برسیم؛ به اخلاق خودمان هم برسیم. اخلاق اهمیتش از عمل هم بیشتر است. فضای جامعه را فضای برادری، مهربانی، حسن ظن قرار بدهیم. من هیچ موافق نیستم با اینکه فضای جامعه را فضای سوءظن و فضای بدگمانی قرار بدهیم. این عادات را از خودمان باید دور کنیم. اینکه متأسفانه باب شده که روزنامه و رسانه و دستگاه‌های گوناگون ارتباطی - که امروز روزبه‌روز هم بیشتر و گسترده‌تر و پیچیده‌تر میشود - روشی را در پیش گرفته‌اند برای متهم کردن یکدیگر، این چیز خوبی نیست؛ این چیز خوبی نیست، دل ما را تاریک میکند، فضای زندگی ما را ظلمانی میکند. هیچ منافات ندارد که گنهکار تاوان گناه خودش را ببیند، اما فضا، فضای اشاعه‌ی گناه نباشد؛ تهمت زدن، دیگران را متهم کردن به شایعات، به خیالات.^۲

۳۷. اهتمام جوانان به خودسازی

به اعتقاد من بایستی مهم‌ترین امر در ذهنتان [کادر مرکزی حزب الله] این باشد که به خدا توکل کنید و حقیقتاً به معنای واقعی کلمه از او کمک بخواهید و از او استغاثه کنید. اشخاص ما عجزه‌یی بیش نیستیم؛ این عجز را بایستی به قدرت بی‌نهایت پروردگار وصل کنیم، تا بکلی آسیب‌ناپذیر شویم. من طهارت و صفای شما را میدانم؛ اما روز به روز باید این بیشتر بشود. توسلات و توجهاتان را به پروردگار بیشتر کنید. نوافل مخصوصاً نافله‌ی شب وسیله‌ی مهمی است. شما ببینید که خداوند متعال در سوره‌ی

۱. بیانات در اولین دیدار با نمایندگان مجلس هشتم، ۱۳۸۷/۰۴/۲۱.

۲. بیانات در خطبه‌های نماز عید سعید فطر، ۱۳۸۸/۰۶/۲۹.

مزمّل با پیامبر خودش چگونه حرف میزند. بعد از آنکه او را به برخاستن در شب و تضرع در نیمه‌ی شب امر میکند، میفرماید: «إِنَّا سَنُلْقِي عَلَيْكَ قَوْلًا ثَقِيلًا». البته قیام او با قیام امثال ما فرق میکند؛ طبعاً آن ثقیلی که بر دوش آن بزرگوار بود، با ثقل‌هایی که بر دوش لاغر و ضعیف ما هست، فرق میکند؛ به همان نسبت، خود ما هم کوچک و ضعیفیم و همان تمرین برای ما هم لازم است.

من در زندگی امام بزرگوارمان رضوان‌الله‌تعالی‌علیه این را یافته‌م که وقتی بار عظیمی بدون سابقه بر دوش او قرار می‌گرفت، با اتصال و ارتباط معنوی و قلبی، خودش را تقویت میکرد. در این اواخر، معمولاً ایشان در ماه رمضان با کسی ملاقات نمیکردند. من بعد از ماه رمضان که ایشان را زیارت میکردم، بوضوح میدیدم که نورانی‌تر شده‌اند؛ به خاطر همین نورانیت بود که ایشان تا آخرین ماههای عمرشان مثل کوه ایستاده بودند. سن پیری معمولاً فصل ضعف و انحطاط جسمی و روحی در انسان است؛ ولی جوان از لحاظ روحی و جسمی هر دو قوی است؛ اما این را بایستی به خدای متعال وصل کند، تا در او هیچ چیزی نفوذ نکند. به هر حال، در این مبارزه‌ی عظیمی که در مقابل شماسست و باید آن را ادامه بدهید، من تقویت جانب معنوی را واجب میدانم.^۲

۳۸. توسّل به شهدا

یکی از ابزارهای توسّل و تقرّب به پروردگار، توجّه به ارواح مطهّر شهیدان است. یعنی ما در ... هر یک از شبها به تنهایی اگر میخواهیم توسّل بجوییم، تضرّع کنیم، دعای مستجاب داشته باشیم، بایستی از ارواح متعالی استشفاع کنیم، آنها را شفیع قرار بدهیم و یکی از این مجموعه‌های متعالی، همین شهدای عزیز ما هستند ... هر یکی از این جوانهایی که به شهادت رسیدند، رفتارشان، گفتارشان، حرکتشان، یک دریچه‌ای به سوی یک دنیای معرفتی است؛ انسان را بیدار میکند، آگاه میکند.^۳

۱. سوره مبارکه المزمّل، آیه ۵، (در حقیقت ما به زودی بر تو گفتاری گرانبار القا میکنیم).

۲. بیانات در دیدار اعضای کادر مرکزی حزب‌الله لبنان، ۱۳/۱۲/۱۳۷۰.

۳. بیانات در دیدار خانواده‌های شهدای هفتم تیر، ۰۴/۰۵/۱۳۹۵.

توجه به محاسبه الهی

من و شما اگر بخواهیم راه خود را درست برویم و این کشور از وجود من و شما سود ببرد... باید به فکر دل خودمان، به فکر قیامت خودمان، به فکر فردای خودمان و به فکر محاسبه‌ی الهی از خودمان باشیم و در این زمینه نسبت به خودمان اغماض نکنیم.^۱

ثواب الهی را که نباید ندیده گرفت. این مسائل دنیوی، بخشی از قضیه است. «وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَأَبْقَى»^۲ مهم است. بدانید، هر شی، هر ساعتی و هر لحظه‌ای که شما رنجی میبرید، مراقبتی میکنید، به تلاشی میپردازید و زحمتی میکشید، کرام‌الکاتبین آن را مینویسند، در پرونده شما مضبوط میشود و در هنگامی که شما نهایت نیاز را به آن دارید، عین همان عمل صالح برای شما حاضر و ناظر است و به کمکتان می‌آید. عاقبتِ خوب متعلق به کسانی است که در این راه، این‌طور حرکت کنند.^۳

در آیه اول میفرماید: «وَمَنْ يَأْتِهِ مَوْمِنًا قَدْ عَمِلَ الصَّالِحَاتِ»^۴ ایمان، خصوصیت اول و عمل صالح، خصوصیت دوم است. در پایان آیه دوم خصوصیت سوم هم در عبارت: «وَذَلِكَ جَزَاءُ مَنْ تَزَكَّى»^۵ ذکر شده است که خصوصیت تزکیه و تهذیب نفس است. قرآن کریم برای کسی که دارای این خصوصیات است، وعده درجاتِ «عُلَى» داده است: «فَأُولَئِكَ لَهُمُ الدَّرَجَاتُ الْعُلَى»^۶

۱. بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۸۳/۰۸/۰۶.

۲. سوره مبارکه قصص، آیه ۶۰ (و آنچه نزد خداست بهتر و پایدارتر است)

۳. بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان نیروی انتظامی، ۱۳۷۶/۰۴/۲۵.

۴. سوره مبارکه طه، آیه ۷۵. (و هر که مؤمن به نزد او رود در حالی که کارهای شایسته انجام داده باشد.)

۵. همان. ۷۶. (و این است پاداش کسی که به پاکی گراید)

۶. همان. ۷۵. (برای آنان درجات والا خواهد بود)

۷. بیانات در مراسم پنجمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله)، ۱۳۷۰/۰۳/۱۴.

۳۹. واعظ درونی

امور تربیتی خوب است، معلم تربیتی خوب است، گوینده‌ی تربیتی خوب است؛ اما آن کسی که از درون خود، موعظه کننده و تربیت کننده‌ی نداشته باشد - «وَأَعِظُ مِنْ نَفْسِي»^۱ - این تربیتها به کارش نمی‌آید. خودتان را بسازید، با نفس مبارزه کنید، اجرای حکم الهی را در محدوده‌ی شخص خودتان بزرگ بشمارید و به نماز، به توجه به خدا، به دعا و به توکل اهمیت بدهید؛ این شما را پولادین خواهد کرد.^۲

۴۰. جلب دل‌های مردم با اخلاق حسنه

اگر شما تواضع بورزید، اگر آدم صادقی باشید، اگر علیه این و آن حرکت مخرب‌ی انجام ندهید، اگر کسی باشید که بر روی حرف خودتان می‌ایستید - اینها صفاتی است که مردم این صفات را دوست میدارند - پس میتوانید با این خُلق خوب، با این اخلاق حسنه و خصال نیک، دل مردم را به طرف خودتان جذب کنید.^۳

۴۱. خودسازی در نیروهای مسلح

نیروهای مسلح بایستی روزبه‌روز بر سازندگی خود بیفزایند. سازندگی چه چیزی؟ سازندگی شخصیت‌های خودشان، شخص خودشان. خود را بسازند؛ خود را به‌عنوان یک انسان طراز اسلامی و یک نظامی طراز اسلامی ساخته و پرداخته کنند. نظامی طراز اسلامی، مؤمن است، شجاع است، فداکار است، باتدبیر است، در مقابل دشمن با کمال قدرت می‌ایستد، اما در مقابل دوست هیچ‌گونه تعین‌ی و تکبری برای خودش قائل نیست؛ این خصوصیت نظامی اسلامی است؛ مثالش مالک اشتر است؛ در مقابل دشمن آن‌جور، در مقابل یک پسرپچه‌ی بی‌ادب در کوفه - که داستانش معروف است - آن‌جور. پسرپچه‌ای نمیشناخت که این مالک اشتر است، به ایشان اهانت کرد، بعد که فهمید

۱. تحف العقول عن آل الرسول علیهم السلام، جلد ۱، صفحه ۴۵۷ (اندرزدهنده ای از درونش)

۲. بیانات در دیدار جمعی از دانش‌آموزان و دانشجویان، ۱۳۷۰/۰۸/۱۵.

۳. شرح حدیث اخلاقی، ۱۳۹۴/۰۲/۱۳.

دستپاچه شد، دنبالش دوید، دید رفته در مسجد دارد نماز میخواند؛ عذرخواهی کرد، [مالک] گفت اصلاً آمده‌ام مسجد که برای تو دعا کنم. فرمانده نظامی، همان مالک اشتر در جنگ صفین و آن کارهای عظیم، در مقابل یک پسر بچه‌ی جوان، یک جوان بی‌ادب، این جوری برخورد میکند! [یعنی] ساختن خود.^۱

من به همه‌ی جوانهای عزیزمان در نیروهای مسلح، در نیروی هوایی سفارش میکنم که به خودسازی بپردازند، به تربیت معنوی خود بپردازند؛ سطح آموزشها را، سطح سازماندهی را، انضباط را، آگاهیها را، برادری و مهربانی در بین رده‌های مختلف را هرچه میتوانند، تقویت کنند؛ اینها نشانه‌های ارتش اسلامی و دینی است. انضباط هست، برادری بین رده‌های مختلف هم هست؛ انضباط هست، رقابت مثبت بین رسته‌های گوناگون و بخشهای مختلف - فنی، پشتیبانی، رزمی - وجود دارد، اما با روح برادری، همکاری، هم‌افزایی و صمیمیت؛ این آن خصوصیات یک مجموعه‌ی نظامی اسلامی است. و از همه بالاتر، روحیه‌ی آمادگی و فداکاری است؛ که این آن چیزی است که دیگر هیچ کس از جبهه‌ی دشمنان شما آن را ندارد. جوانهای ما در دوره‌ی جنگ هم این را عملاً نشان دادند؛ بعد از جنگ هم تا امروز در هر جایی که لازم شده، این را ارائه کردند و نشان دادند. آنها حاضرند جانشان را کف دست بگیرند، بیایند وسط میدان؛ این آن چیزی است که خیلی ارزش دارد. این روحیه‌ی فداکاری و ایستادگی و حساب کردن پای خدا را حفظ کنید؛ پاکیزگی و طهارت و تقوای معنوی را روزبه‌روز افزایش دهید؛ ان‌شاءالله خدای متعال هم از همه جهت به شما کمک خواهد کرد.^۲

۱. بیانات در دیدار فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی ارتش، ۱۳۹۶/۱۱/۱۹.

۲. بیانات در دیدار فرماندهان نیروی هوایی ارتش، ۱۳۹۰/۱۱/۱۹.

فصل هفتم: اخلاق خانوادگی

همه‌ی ارزشهای معنوی را میتوان از درون کانون گرم خانواده... بیرون کشید و معنویات را در سطح جامعه گستراند.^۱ در شرع آمده که پیوند ازدواج را محکم نگهدارید. بعد هم شرایط زیادی برای ازدواج در همه‌ی زمینه‌ها معین کرده است. در زمینه‌ی اخلاق و رفتار گفته: وقتی زن گرفتید، وقتی شوهر کردید، باید اخلاقتان را خوب کنید، باید همکاری کنید، باید گذشت کنید، باید محبت کنید، باید او را دوست بدارید و باید به او وفاداری کنید، اینها همه‌اش احکام شرع است، اینها همه‌اش دستورات است... آنچه که در ازدواج مهم است، رعایتهای بشری و انسانی است. رعایتهای اخلاقی است که دختر و پسر باید با همدیگر تا آخر عمرشان رعایت کنند و رعایت اصلی حفظ این پیوند است.^۲ ازدواج، در حقیقت دروازه‌ی ورود به تشکیل خانواده است و تشکیل خانواده اساس همه‌ی تربیتهای اجتماعی و انسانی است.^۳

۱. بیانات در دیدار اقدار مختلف مردم، ۱۳۸۴/۰۳/۲۵.

۲. بیانات در جلسه خطبه عقد، ۱۳۷۲/۱۰/۰۶.

۳. بیانات در جلسه خطبه عقد، ۱۳۷۴/۰۵/۱۸.

۴۲. مثل دو نفر شریک، مثل دو نفر رفیق

ما دیده بودیم که گاهی مرد، زن را موجود درجه‌ی دو حساب میکرد! اما موجود درجه‌ی دو نداریم. هر دو مثل هم هستند، هر دو از حقوق برابری در زمینه امور زندگی - مگر در جاهایی که خدای متعال بین زن و مرد فرقی گذاشته که آن هم روی مصلحتی است و به نفع مرد و به ضرر زن هم نیست - برخوردارند. باید مثل دو نفر شریک، مثل دو نفر رفیق، در خانه با هم زندگی کنند.^۱

۴۳. دو نگاه متفاوت، هر دو زیبا

نوع نگاه زن به مرد با نگاه مرد به زن بطور طبیعی مختلف است، باید هم مختلف باشد، ایرادی هم ندارد. مرد به زن به صورت یک الگوی زیبایی، الگوی ظرافت، الگوی حساسیت نگاه میکند، او را لطیف مبیند. اسلام هم همین را تأکید کرده... زن گل است. در این نگرش، زن، یک موجودی است رقیق، مظهر زیبایی و لطافت و رقت و مرد به این چشم به او مینگرد. محبت او را در این قالب ترسیم و مجسم میکند. مرد در چشم زن، مظهر اعتماد، نقطه‌ی اتکا و اعتماد است و محبت خودش را به او در این قالب ترسیم میکند. این دو تا، دو نقش جداگانه است از یکدیگر و هر دو نقش لازم است. زن وقتی به مرد نگاه میکند، با همان چشم محبت و عشق، او را در نقش یک تکیه گاه مبیند که میتواند از نیروهای جسمی و فکری او برای پیشبرد کار زندگی استفاده کند؛ مثل یک موتور. مرد وقتی به زن نگاه میکند، به چشم مظهر انس و آرامش مینگرد که میتواند به انسان آرامش بدهد. اگر مرد نقطه‌ی اتکا در زمینه مسائل ظاهر زندگی است، زن هم به نوبه‌ی خود نقطه‌ی اتکا است برای مسائل روحی و معنوی زندگی. دریایی است از انس و محبت. میتواند مرد را در این فضای سرشار از محبت، از

۱. بیانات در خطبه‌ی عقد، ۱۳۷۲/۳/۱۹.

همه‌ی غصه‌ها و غمهای خودش خارج کند. اینها توانائیهای مرد و زن است. توانائیهای روحی آنهاست.^۱

۴۴. همدیگر را خوشبخت کنید!

خیلی از زنها هستند که شوهر خودشان را بهشتی می‌کنند. خیلی از مردها هستند که همسر خود را حقیقتاً سعادتمند می‌کنند. موارد عکس این هم هست. ممکن است مردهای خوبی باشند، زنهایشان آنها را اهل جهنم کنند و زنهای خوبی باشند که مردهایشان آنها را اهل جهنم کنند. اگر چنانچه زن و مرد هر دو توجه داشته باشند، با توصیه‌های خوب، با همکاریهای خوب، با مطرح کردن دین و اخلاق در محیط خانه - آن هم بیشتر از مطرح کردن زبانی، مطرح کردن عملی - این طور یکدیگر را کمک می‌کنند. آن وقت زندگی کامل و حقیقتاً وافی و شافی خواهد شد.^۲

انسان با راهنمایی و دلسوزی و تذکر بجا، با مانع شدن از زیاده‌رویها و بعضی کج رفتاریهای همسرش، می‌تواند او را اهل بهشت کند. البته عکس آن هم هست. با افزون طلبیها، با توقعات و با روشهای غلطی که وجود دارد، می‌تواند همسر خود را جهنمی کند.^۳

۴۵. سازگاری

معنای سازگاری چیست؟ معنایش این است که زن ببیند این مرد، درست ایده‌آل اوست تا با او سازگار باشد؟ یا مرد ببیند که این زن، کاملاً ایده‌آل اوست و همان فرد مطلوب عالی است، تا با او سازگاری داشته باشد؟ اگر یک ذره این گوشه یا آن گوشه‌اش کج بود، قبول نیست. معنای سازگاری این است؟ نه! اگر سازگاری این باشد که این خودش به طور طبیعی انجام میگیرد و اراده‌ی شما را نمیخواهد. اینکه میگویند شما سازگار

۱. بیانات در خطبه‌ی عقد، ۱۳۸۱/۰۶/۰۶.

۲. بیانات در خطبه‌ی عقد، ۱۳۷۷/۱۲/۱۱.

۳. بیانات در خطبه‌ی عقد، ۱۳۷۸/۴/۹.

باشید، یعنی شما با هر وضعیتی که هست و پیش آمده بسازید. معنای سازگاری این است. یعنی چیزهایی در زندگی پیش می‌آید. خب دو نفرند با هم تا حالا آشنایی نداشتند، زندگی نکردند، ممکن است فرهنگشان دو تا باشد. ممکن است عاداتشان دو تا باشد. اول ممکن است یک ناسازگاریهایی ببینند، حالا اول ازدواج که نه آدم هیچ متوجه نیست. بعد از یک خرده که گذشت، ممکن است یک ناسازگاریهایی حس کند، آیا باید این جا از هم سرد شوند و بگویند: این مرد یا این زن دیگر به درد من نمیخورد؟! نه! شما باید خودتان را با این مسأله تطبیق دهید. اگر چنانچه قابل اصلاح است، اصلاحش کنید و اگر دیدید نه، کاری اش نمیشود کرد، خب با او بسازید.^۱

سازش کاری در محیط خانواده جزء واجبات است. نایستی زن و شوهر تصمیم بگیرند که خودشان هر چه گفتند همان شود. آنچه خودشان میپسندند و آنچه راحتی آنها را تأمین میکند همان بشود، نه، این طور نباید باشد. باید بنا داشته باشند که باهم سازگاری کنند. این سازگاری لازم است. اگر دیدید مقصود شما تأمین نمیشود مگر با کوتاه آمدن، کوتاه بیایید.^۲ سازگاری در زندگی، اساس بقای زندگی است و همین است که محبت می‌آفریند. همین است که موجب برکات الهی میشود. همین است که دلها را به هم نزدیک کرده و پیوندها را مستحکم میکند^۳

۴۶. مراقبت اخلاقی

مهمترین کمک به همسر، این است که سعی کنید همدیگر را دین‌دار نگهدارید. مراقب باشید همسرتان خطای دینی نکند. این مواظبت هم به معنای پاسبانی و دیده‌بانی نیست. این مراقبت، مراقبت اخلاقی است، مراقبت مهربانانه و مراقبت پرستارانه است. اگر چنانچه خطایی از همسرتان دیدید، آن را باید با شیوه‌ی بسیار لطیف و عاقلانه‌ای در او

۱. بیانات در خطبه‌ی عقد، ۱۳۷۹/۱/۱۶.

۲. بیانات در خطبه‌ی عقد، ۱۳۷۸/۴/۹.

۳. بیانات در خطبه‌ی عقد، ۱۳۷۷/۱۱/۱۹.

از بین ببرید و برطرف کنید. یا با تذکر و یا با بعضی از مراعاتها نسبت به هم مسئولیت دارید.

زن اگر می‌بیند شوهرش در معاملات بد افتاده، در رفیق بازیهای بد و معاشرتهای بد افتاده، یا مرد می‌بیند زنش افتاده در بعضی تجمل پرستیهای غلط یا ولنگاریهای غلط، نباید بگوید: حالا او خودش است. نه، شما هر کدام نسبت به هم وظیفه دارید. باید همّت خود را متمرکز کنید. زن و مرد می‌توانند بر روی هم اثر بگذارند.^۱

۴۷. تَوَاصُوا بِالْحَقِّ وَ تَوَاصُوا بِالصَّبْرِ

همدلی و همکاری کردن، معنایش این است که همدیگر را در راه خدا حفظ کنید. توأسی به صبر و توأسی به حق کنید. اگر خانم خانه می‌بیند شوهرش دارد دچار یک انحرافی می‌شود، فرضاً در یک معامله‌ی نامشروعی دارد قرار می‌گیرد، توی یک جریان غلطی دارد می‌افتد، توی پول در آوردنهای نادرست دارد می‌افتد، توی رفیق بازیهای ناسالم دارد می‌افتد، اول کسی که باید او را حفظ کند، اوست، اگر متقابلاً مرد این احساسها را به نوع دیگری از زنش کرد، اولین کسی که باید زن را حفظ کند شوهر اوست. البته حفظ کردن هم، با محبت کردن و با زبان خوش و با منطق صحیح و با برخورد مدبرانه و حکیمانه حاصل می‌شود نه با بد اخلاقی و قهر و این چیزها. یعنی هر دو مراقب باشند تا آن دیگری را در راه خدا حفظ کنند.^۲

باهم همکاری کنید، به هم کمک کنید خصوصاً در امر دین. اگر می‌بینید طرف شما، شوهر یا زن شما کاهل نماز است، به نماز کم اهمیت می‌دهد، به راستگویی کم اهمیت می‌دهد، به مال مردم کم اهمیت می‌دهد، به شغل دولتی کم اهمیت می‌دهد، او را بیدار کنید، به او بگویید، به او بفهمانید و کمک کنید که خودش را اصلاح کند یا اگر می‌بینید که در امر محرم و نامحرم، در امر پاکی و نجسی، در امر حلال و حرام آدم بی‌اعتنا و

۱. بیانات در خطبه عقد، ۱۳۷۹/۸/۳.

۲. بیانات در خطبه عقد، ۱۳۷۹/۸/۲۱.

بی‌مبالاتی است، به او توجه بدهید، او را آگاه کنید، کمک کنید که خوب شود. دروغ‌گوست، غیبت کن است، به او تفهیم کنید، نه اینکه دعوا کنید، نه اینکه اوقات تلخی کنید، نه اینکه مثل یک منتقد بداخلاق بنشینید یک کناری هی نق بزنید.^۱

۴۸. مختصات خانوادگی خوب

خانواده‌ی خوب یعنی، زن و شوهری که با هم مهربان باشند، با وفا و صمیمی باشند و به یکدیگر محبت و عشق بورزند، رعایت همدیگر را بکنند، مصالح همدیگر را گرامی و مهم بدانند، این در درجه اول. بعد، اولادی که در آن خانواده به وجود می‌آید، نسبت به او احساس مسئولیت کنند، بخواهند او را از لحاظ مادی و معنوی سالم بزرگ کنند. بخواهند از لحاظ مادی و معنوی او را به سلامت برسانند، چیزهایی به او یاد بدهند؛ به چیزهایی او را وادار کنند، از چیزهایی او را بازدارند و صفات خوبی را در او تزریق کنند. یک چنین خانواده‌ای اساس همه اصلاحات واقعی در یک کشور است. چون انسانها در چنین خانواده‌ای خوب تربیت میشوند، با صفات خوب بزرگ میشوند. با شجاعت، با استقلال عقل، با فکر، با احساس مسئولیت، با احساس محبت، با جرئت، جرئت تصمیم‌گیری، با خیرخواهی - نه بدخواهی - با نجابت، خب وقتی مردم جامعه‌ای این خصوصیات را داشته باشد، این جامعه دیگر روی بدبختی را نخواهد دید.^۲

۱. بیانات در خطبه عقد، ۱۳/۶/۱۳۷۴.

۲. بیانات در خطبه‌ی عقد، ۱۲/۹/۱۳۷۷.

فصل هشتم: اخلاق اجتماعی

اخلاق‌های رفتاری افراد جامعه؛ مثل انضباط اجتماعی، وجدان کاری، نظم و برنامه‌ریزی، ادب اجتماعی، توجه به خانواده، رعایت حق دیگران - این که دیگران حقی دارند و باید حق آنها رعایت شود، یکی از خلییات و فضایل بسیار مهم است - کرامت انسان، احساس مسؤولیت، اعتماد به نفس ملی، شجاعت شخصی و شجاعت ملی، قناعت - یکی از مهمترین فضایل اخلاقی برای یک کشور قناعت است، و اگر امروز ما در برخی زمینه‌ها دچار مصیبت هستیم، به خاطر این است که این اخلاق حسنه‌ی مهم اسلامی را فراموش کرده‌ایم - امانت، درستکاری، حق‌طلبی، زیباییتللی - یکی از خلییات خوب، زیباییتللی طلبی است؛ یعنی به دنبال زیباییتللی بودن، زندگی را زیبا کردن؛ هم ظاهر زندگی را و هم باطن زندگی را؛ محیط خانواده، محیط بیرون، محیط خیابان، محیط پارک و محیط شهر - نفی مصرف‌زدگی، عفت، احترام و ادب به والدین و به معلم. اینها خلییات و فضایل اخلاقی ماست.^۱

۱. بیانات در دیدار مسؤلان سازمان صدا و سیما، ۱۳۸۳/۰۹/۱۱.

۴۹. تقوای اجتماعی

تقوا چیست؟ تقوا عبارت است از آن حالت مراقبت دائمی که موجب میشود انسان به کج‌راهه نرود و خارهای دامن‌گیر، دامن او را نگیرد. تقوا در واقع یک جوشنی است، یک زرهی است بر تن انسان باتقوا که او را از آسیب تیرهای زهرآگین و ضربه‌های مهلک معنوی محفوظ و مصون میدارد؛ البته فقط هم مسائل معنوی نیست. «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا * وَ يَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ»^۱؛ در امور دنیوی هم تقوا تأثیرات بسیار مهمی دارد، این تقوای شخصی است. عین همین مسئله در مورد یک جامعه و یک کشور قابل طرح است. تقوای یک کشور چیست؟ تقوای یک جامعه چیست؟ یک جامعه، بخصوص اگر مثل جامعه‌ی نظام جمهوری اسلامی آرمانهای والا و بلندی داشته باشد، مورد تهاجم است؛ مورد هجوم تیرهای زهرآگین است؛ این هم تقوا لازم دارد.^۲ اگر به توفیق الهی بتوانیم در عمل فردی، در عمل جمعی، در کار سیاسی، در کار اجتماعی، رعایت تقوای الهی را بکنیم، همه‌ی خیرات و همه‌ی الطاف الهی شامل حال ما خواهد شد.^۳

۵۰. تقوای اجتماعی یعنی؛ تلاش برای تحقق آرمانهای اسلامی

یک تقوای فردی داریم که من و شما خودمان از گناه پرهیز کنیم، خودمان را حفظ کنیم؛ ... خودمان را از آتش دوزخ الهی، از آتش غضب الهی دور کنیم؛ این تقوای فردی است. تقوای اجتماعی - تقوای اسلامی مربوط به اجتماع - این است که در راه تحقق این چیزهایی که اسلام از ما مطالبه کرده است، تلاش کنیم. همه‌ی آن آرمانهایی که عرض کردیم، آرمانهای اسلامی است؛ یعنی مسئله، فقط مسئله‌ی یک محاسبه‌ی عقلانی نیست؛ اینکه ما عرض کردیم باید به آن آرمانها پابند بود، باید دنبال عدالت

۱. سوره مبارکه طلاق، آیه ۲ (و هر کس تقوای الهی پیشه کند، خداوند راه نجاتی برای او فراهم می‌کند. * و او را از جایی که گمان ندارد روزی می‌دهد.)

۲. بیانات در دیدار مسئولان نظام، ۱۳۹۴/۰۴/۰۱.

۳. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۹۰/۱۱/۱۴.

اجتماعی بود، دنبال حمایت از محرومین بود، دنبال حمایت از مظلوم بود، با ظالم و مستکبر باید مقابله کرد، زیر بار او نرفت، اینها همه مطالبات اسلامی است، اسلام اینها را از ما خواسته است؛ این جور نیست که فقط یک محاسبه‌ی عقلایی و انسانی باشد؛ تکلیف دینی است. هرکسی این چیزها را از اسلام جدا کند، اسلام را نشناخته است؛ هرکسی حوزه‌ی معرفتی اسلام را و حوزه‌ی عملی اسلام را از محیط زندگی اجتماعی مردم و سیاسی مردم دور کند، بلاشک اسلام را نشناخته است. قرآن به ما میگوید: «أَعْبُدُوا اللَّهَ وَ اجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ»^۱ عבודیت خدا - یعنی تسلیم در مقابل خدا بودن - و اجتناب از طاغوت، و در آیه‌ی دیگر [میگوید]: «الَّذِينَ آمَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ فَقَاتِلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا»^۲ اینها دستور قرآن است. اینکه ما خودمان را و مردمان را و جوانانمان را و مسئولینمان را به احساس مسئولیت در مقابل این حرفها فرا میخوانیم، فقط یک توصیه‌ی عقلایی نیست، یک توصیه‌ی سیاسی نیست؛ این یک خواست دینی است؛ رعایت آن، تقوای دینی است.^۳

غالباً وقتی گفته میشود تقوا، پرهیزگاری، ذهن انسان می‌رود به رعایت ظواهر شرع و محرمات و واجباتی که دم دست ماست؛ نماز بخوانیم، وجوهات شرعی مان را بدهیم، روزه بگیریم، دروغ نگوئیم. البته اینها مهم است، هم‌هانش مهم است؛ لیکن تقوا ابعاد دیگری هم دارد که غالباً ما از اینها غفلت میکنیم. در دعای شریف مکارم الاخلاق یک فقره‌ای در توضیح این ابعاد دیگر هست: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ حَلِّئِي بِحَلِيَّةِ الصَّالِحِينَ وَ الْبَسْنِي زِينَةَ الْمُتَّقِينَ»^۴ از خدای متعال درخواست میکند که پروردگارا! مرا

۱. سوره مبارکه النحل، آیه ۳۶. (خدا را بپرستید و از طاغوت بپرهیزید).

۲. سوره مبارکه النساء، آیه ۷۶. کسانی که ایمان آورده اند در راه خدا کارزار میکنند و کسانی که کافر شده اند در راه طاغوت می‌جنگند پس با یاران شیطان بجنگید که نیرنگ شیطان [در نهایت] ضعیف است).

۳. بیانات در مراسم بیست و هفتمین سالگرد رحلت امام خمینی قدس سره، ۱۳۹۵/۰۳/۱۴.

۴. الصحیفة السجادیة، دعای ۲۰. (بار خدایا بر محمد و آل او درود فرست، ای خداوند، مرا سیمای صالحان ده و جامه پرهیزگاران.)

با زیور صالحان زیور بده و با لباس پرهیزگاران مجلس کن. خوب، این لباس پرهیزگاران چیست؟ آن وقت این شرح جالب است: ...لباس پرهیزگاران در گستردن عدالت، ...در فرو بردن خشم، ...در فرو نشاندن آتش؛ آتشفهائی که بین افراد جامعه برمی‌افروزند. اینها تقواست. ...افرادی که از شمایند، اما جدا شدند، سعی کنید اینها را گرد بیاورید. این جزو موارد تقواست، که در دعای شریف مکارم‌الاخلاق - دعای بیستم صحیفه‌ی مبارکه‌ی سجاده - به آن اشاره شده است. این دعا، بسیار دعای مهمی است. من عقیده‌ام این است که همه، بخصوص کارگزاران، باید این دعا را بخوانند و در مضامینش دقت کنند؛ تعلیم‌دهنده است. ...به جای آتش‌افروزی، خبرچینی، این را به جان آن انداختن، آن را در پوستین این انداختن، اصلاح ذات‌البین کنند؛ بین برادران مؤمن، برادران مسلمان، ایجاد ائتلاف کنند؛ اینها تقواست.

ببینید، اینها همه، مسائل امروز ماست. گستردن عدالت، عدالت قضائی، عدالت اقتصادی، عدالت در گزینشها، عدالت در تقسیم منابع و فرصتهای کشور بین گروه‌ها، عدالت جغرافیائی، اینها مسائل خیلی مهمی است؛ اینها همه نیازهای ماست. گستردن عدالت، بالاترین رقمهای تقواست؛ این از یک نماز خوب، از یک روزی روز گرم تابستان بالاتر است. روایتی است که فرمود: هر امیری - امیر یعنی همه‌ی شماها؛ هر کسی یک دستگاهی دارد که در آن فرمان میراند، حکم او در آنجا نافذ است - که روزی را به عدالت حکم کند، مثل این است که هفتاد سال عبادت کرده؛ اینها خیلی مسائل مهمی است؛ اهمیت عدالت را، رفتار عدالت‌آمیز را به ما نشان میدهد.

فرو بردن خشم در مقابل دوستان. بحث اینجا دوستان است. البته در مقابل دشمنان باید غیظ داشت؛ ...در مقابل آن دشمنی که با هویت شما، با موجودیت شما مخالف است، آنجا خشم میشود خشم مقدس؛ آن اشکالی ندارد. نه، در جمع مؤمنین، در بین افرادی که مأمور به رفتار مسلمانی با آنها هستیم، خشم و حالت عصبانیت نباید باشد. خشم به انسان ضرر میزند. تصمیم‌گیری با خشم مضر است، حرف زدن با خشم مضر است، کار کردن با خشم مضر است، غالباً دچار غلط و اشتباه است؛ این چیزی است که ماها متأسفانه خیلی ابتلاء پیدا میکنیم. جلوگیری از این خشم، خشمی که موجب انحراف

میشود، موجب خطای در فکر و عمل میشود، یکی از موارد تقواست ... بعضیها آتش‌افروزی‌های سیاسی و جناحی میکنند. عده‌ای کأنه برای این کار مأموریت دارند. من میبینم در داخل کشور خودمان که یک عده‌ای میخواهند اصلاً عناصر گوناگون را، جناحهای مختلف را، افرادی از هر یک از جناحها را به جان هم بیندازند و اختلاف ایجاد کنند؛ کأنه اصلاً از آتش‌افروزی خوششان می‌آید؛ این خلاف تقواست. تقوا این است. ... همچنان که در یک محیط مادی و فضای مادی، شما یک آتش‌افروزی را اطفاء میکنید، باید در فضای انسانی و معنوی و اخلاقی هم آتش‌سوزی‌ها را مهار و اطفاء کنید.

... ما عرض کردیم جذب حداکثری، دفع حداقلی. البته معیار و میزان، اصول و ارزشهاست. انسانها از لحاظ ایمان در یک حد نیستند. ما در بین خودمان آدمهائی داریم ضعیف‌الایمان، آدمهائی داریم که ایمانشان قوی‌تر است. باید راه بیابیم. نمیشود ضعیف‌الایمان را دفع کرد، نمیشود فقط به کسانی چشم دوخت که قوی‌الایمانند؛ نه، ضعفا را هم باید در نظر داشت. کسانی که خودشان را قوی میدانند، آن کسانی را که ضعیف میدانند، ملاحظه کنند، مراعات کنند، دفع نکنند. آن کسانی که جزو مجموعه هستند، لیکن بر اثر اشتباه و غفلت کنار افتادند، جدا افتادند، اینها را به خود بیورند؛ اینها را نصیحت کنند، دلالت کنند، راه را به آنها نشان بدهند، آنها را برگردانند. اینها مسائل اساسی است. پس اینها شد تقوا، اینها شد راه‌های توبه و انابه؛ ... وقتی که میخواهیم این نصایح را، این توصیه‌های مهم کتاب و سنت را عمل کنیم، اگر همه خود را مخاطب آن بدانیم، ببینید در دنیای اسلام چه اتفاقی می‌افتد؛ در دایره‌ی محدودتر در کشور چه اتفاقی می‌افتد.^۱

۵۱. آسیب‌ها و آفات بد اخلاقی در جامعه،

مردمی که در بین خود دچار حسد باشند، دچار بدخواهی یکدیگر باشند، دچار حيله‌گری با یکدیگر باشند، دچار حرص به دنیا و بخل نسبت به مال دنیا باشند و دچار کینه‌ورزی با یکدیگر باشند، در این جامعه حتی اگر قانون هم به طور دقیق عمل شود، سعادت در این جامعه نیست. اگر علم هم پیشرفت کند و تمدن ظاهری هم به منتهای شکوه برسد، این جامعه، جامعه‌ی بشری مطلوب نیست. جامعه‌ای که انسانها در آن از یکدیگر احساس ناامنی کنند، هر انسانی احساس کند که به او حسد می‌ورزند، نسبت به او بددلی دارند، نسبت به او کینه‌ورزی میکنند، برای او توطئه می‌چینند و نسبت به او و دارایی اش حرص می‌ورزند، راحتی در این جامعه نیست.^۱

در زندگی امام چهارم، چند رشته کار وجود دارد که یکی از آنها، همین رشته اخلاق است. یعنی تربیت و تهذیب اخلاق جامعه اسلامی. امام سجاد به تعلیم و تغییر اخلاق در جامعه اسلامی کمر بست. چرا؟ چون طبق تحلیل آن امام بزرگوار، بخش مهمی از مشکلات اساسی دنیای اسلام که به فاجعه کربلا انجامید، ناشی از انحطاط و فساد اخلاق مردم بود. اگر مردم از اخلاق اسلامی برخوردار بودند... اگر مردم آن طور پست نشده بودند، آن طور به خاک نجسیده بودند، آن طور از آرمانها دور نشده بودند و ردای بر آنها حاکم نمی‌بود، ممکن نبود حکومتها - ولو فاسد باشند؛ ولو بی دین و جائر باشند - بتوانند مردم را به ایجاد چنان فاجعه عظیمی؛ یعنی کشتن پسر پیغمبر و پسر فاطمه زهرا سلام الله علیها وادار کنند. مگر این شوخی است؟! یک ملت، وقتی منشأ همه مفاسد خواهد شد که اخلاق او خراب شود. این را امام سجاد علیه الصلوة والسلام، در چهره جامعه اسلامی تفحص کرد، و کمر بست به این که این چهره را از این زشتی پاک کند و اخلاق را نیکو گرداند. لذا، دعای «مکارم الاخلاق» دعاست؛ اما درس است. «صحیفه سجادیه» دعاست؛ اما درس است.

۱. بیانات در دیدار بسیجیان، ۱۳۸۵/۰۱/۰۶.

من به شما جوانان توصیه میکنم که بروید «صحیفه سجادیه» را بخوانید و در آن تدبّر کنید. خواندن بی توجه و بی تدبّر کافی نیست. با تدبّر خواهید دید که هر یک از دعاهای این «صحیفه سجادیه» و همین دعای «مکارم الاخلاق»، یک کتاب درس زندگی و درس اخلاق است.

...وقتی یک انقلاب در یک کشور به وجود می‌آید، برای این است که اوضاع عمومی و نظام اجتماعی کشور را عوض کند؛ حکومت را دگرگون کند؛ روابط اجتماعی و اقتصادی را دگرگون کند. این، هدف یک انقلاب است. اما هدف عوض شدن و دگرگون شدن اوضاع اجتماعی چیست؟ چرا میخواهیم اوضاع اجتماعی عوض شود؟ برای این که اخلاق مردم عوض شود. برای این که در نظام فاسد و جائز و در نظام طاغوتی، انسانها بد تربیت میشوند. انسانها مادی و بی معنویت و بی حقیقت بار می‌آیند. انسانها بی وفا، بی صفا و بی صداقت بار می‌آیند. انسانها از رحم و مروت و دوستی و همکاری و همراهی، دور میمانند. اینها آثار یک زندگی اجتماعی فاسد و غلط است. انقلاب برای این است که جامعه را عوض کند و عوض کردن جامعه برای این است که اخلاق انسانها عوض شود. برای این است که انسانها به خوبی تربیت شوند. لذا شما میبینید در دعای روزهای ماه رمضان، یکی از فقرات اصلی دعا این است که: «اللَّهُمَّ غَيْرَ سُوءَ حَالِنَا بِحُسْنِ حَالِكِ»^۱ این گونه است که عدالت اجتماعی تأمین میشود. عدالت اجتماعی، یک اصل است. یک هدف اصلی و والاست. اما عدالت اجتماعی، در صورتی در جامعه تأمین میشود که افراد در جامعه تربیت شده باشند؛ ظلم نکنند و زیر بار ظلم نروند.

امروز در جامعه ما، یکی از تلاشهای اساسی، باید تغییر اخلاق باشد. هر کدام از ما ...خودمان را موظف بدانیم که اخلاق یک نفر را عوض کنیم و از بدی به سمت خوبی بکشانیم. آن یک نفر هم، خود ما هستیم. ...همه شما مسئول هستید و اولین مسئولیت، نسبت به شخص خود شمامست. بر خودمان نظارت کنیم. خودمان را از فساد اخلاق، از پستی، از دروغگویی، از بدخواهی، از بددلی، از کینه‌ورزی، از بیرحمی، از تعرض به

^۱. مفاتیح الجنان، دعای یومیه ماه رمضان.

حقوق دیگران، از جفا در حق دیگران، از بی‌اعتنایی به حال مردم محتاج توجه و مراقبت، و بقیه اخلاقیات فاسد، دور نگه داریم. همه انبیا و اولیا آمدند تا اخلاق انسانها را عوض کنند. منتها عوض کردن اخلاق انسانها به صورت موعظه و نصیحت و در یک نظام غلط طاغوتی، به‌کندی صورت میگیرد. اما در نظامی که براساس ارزشهای الهی به وجود آمده باشد، تغییر اخلاق مردم، به سهولت انجام میگیرد. کما این که ما در مقابل خودمان، این را مشاهده میکنیم و مشاهده کردیم.

جامعه ما، به برکت انقلاب، اخلاقیات به سمت اخلاق الهی، گردش قابل توجهی کرد؛ اگرچه این گردش کامل نیست و باید باز هم ادامه پیدا کند. این جوانان را دیدید در جنگ چه کردند؟! این پدران و مادران را دیدید چگونه از عزیزان خود، برای خدا و قرآن و دین گذشتند؟! این انسانها را دیدید چگونه از ثروت شخصی خودشان - زنان از طلاهای خودشان، مردان از دسترنج خودشان - برای خاطر مصالح عمومی، برای جنگ، برای حل مشکلات کشور، برای سیل و زلزله فلان جا، صرف نظر کردند؟! اینها گردش به سمت اخلاق اسلامی است. قبل از انقلاب این چیزها بود؛ اما در مقیاسهای بسیار کوتاه و کوچک، عمومی نبود. مواظب باشید که این حرکت به سمت اخلاق اسلامی، ادامه پیدا کند. اگر این‌گونه شود، جامعه ما از عدالت اجتماعی برخوردار خواهد شد.

عدالت اجتماعی، به مقدار زیادی وابسته به اخلاق است. البته بخش عمده آن مربوط به مقررات و قوانین جامعه است. اما مقررات و قوانین، بدون این که افراد از اخلاق الهی و اسلامی برخوردار باشند، چندان کارساز نیست. امروز در جامعه ما، هستند کسانی که درآمدهای زیادی دارند. ... آیا این همه درآمد را باید صرف خودشان کنند؟ این اخلاق مادی است. این اخلاق شیطنانی است. به تعبیر درست‌تر، این اخلاق حیوانی است. حیوان هرچه دارد، مال شخص خودش است. اخلاق انسانی و بخصوص آن اخلاق والای اسلامی، این‌طور حکم نمیکند. آنچه شما دارید، باید پس از آن که نیاز ضروری خودتان را تأمین کردید و خواسته‌های خودتان را عمل نمودید، برای بقیه انسانهایی که در آن جامعه هستند صرف شود. همسایه شما اگر نیازی دارد، صرف او شود. خویشاوند شما اگر نیازی دارد، صرف او شود. فرض کنید امروز در جامعه ما، مدرسه‌سازی یک

مسأله مهمّ است. ساختن فضاهای آموزشی، یا همین رسیدگی به عقب‌افتاده‌ها و معلولین جسمی و ذهنی، یک کار مهم است. کسانی که امکان مالی دارند، بسیار شایسته است و از لحاظ اخلاقی یک فریضه است که بخشی از ثروت خودشان را برای اینها صرف کنند. این، همان دگرگونی اخلاقی است.

اگر اخلاق در جامعه تأمین شد، عدالت اجتماعی تأمین میشود؛ جامعه آباد میشود و انسانها در بهشت زندگی میکنند؛ ولو در همین دنیا. در سطح عالم، مشاهده میکنیم عمده فجایعی که بر سر بنی آدم می‌آید، ناشی از اخلاق سوء و فسادهایی است که در اخلاق افرادی از نوع بشر هست. شما همین ظلمهایی را که در سطح دنیا میشود نگاه کنید! البته ما از علل سیاسی غافل نیستیم. عوامل اقتصادی و سیاسی این تحلیلها روشن است. لکن اگر در ریشه و پایه همه آنها دقت کنید، یک عنصر سوء اخلاق وجود دارد. اعتقاد بنده این است که تربیتها و اخلاقهای غلط است که امروز ملت‌هایی را در دنیا دچار مصیبت‌های بزرگ کرده است.^۱

۱. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم، ۱۳۷۲/۰۴/۲۳.

فصل نهم: راهبردها و ابزارهای تحقق و توسعه اخلاق

برای رشد اخلاق در جامعه، برای گسترش خلیات خوب، برای اعتلای روحیه‌ی همدلی و برادری و صفا و اخوتی که در جامعه‌ی دینی مطلوب است، احتیاج داریم به نصیحت. ... این کار با زبان شعر خیلی بهتر است و بهتر ادا میشود تا زبان نثر و زبان نصیحت‌آمیز.

گوینده‌ای مثل ما بنشینند به مردم نصیحت کند، خیلی معلوم نیست تأثیر عمیقی ببخشد؛ اما وقتی خواننده‌ای همین مضمون را در یک شعر زیبا و خوب و با لحن خوب بیان میکند، مثل آب گوارائی است که انسان مینوشد؛ تمام سلولهای بدن انسان از این آب بهره‌مند میشود، تا اعماق وجود انسان اثر میگذارد. البته اخلاقیات باید تکرار شود. گفتن اثر دارد، شنیدن اثر دارد؛ اما این اثر، دائمی و ابدی نیست؛ مؤثرات دیگری هم در جامعه هست که در جهت عکس آن کار میکنند. لذا بایستی اخلاقیات هی گفته بشود، باز گفته بشود، باز تکرار بشود.^۱

۱. بیانات در دیدار جمعی از شاعران و ذاکرین اهل بیت علیهم‌السلام، ۱۳۹۰/۰۳/۰۳.

۵۲. عبادات و آموزش

انسان با توجه به خدا و با حرف زدن با خدای متعال، فضایل اخلاقی را در خود تقویت میکند؛ این خاصیت قهری و طبیعی انس با پروردگار است؛ بنابراین دعا میشود پلکان عروج انسان به سمت کمالات. متقابلاً دعا رذایل اخلاقی را از انسان میزداید؛ حرص و کبر و خودپرستی و دشمنی با بندگان خدا و ضعف نفس و جبن و بیصبری را از انسان دور میکند.^۱

برای اینکه در جامعه اخلاق استقرار پیدا کند، دو چیز لازم داریم: یکی تمرین و مجاهدت خود ماست و یکی هم آموزشهای اخلاقی که به وسیلهی آموزش و پرورش، مراکز تربیتی و مراکز آموزشی و علمی باید در همه‌ی سطوح به انسانها تعلیم داده شود؛ اینها موظفند.^۲

باید اخلاق اسلامی را، هم بشناسیم - همه‌مان؛ این دیگر پیر و جوان ندارد؛ اما جوانها بیشتر و بهترند - و هم تحلی به حلیه‌ی اخلاق پیدا کنیم... عزیزان من! درس اخلاق، همه‌ی وظیفه‌ی ما در باب تخلّق به اخلاق حسنه را ایفا نمیکند. هر کسی خودش باید با دل خود، با رفتار خود، به طور دائم مشغول تهذیب و مشغول کشتی گرفتن با بدیها و زشتیهای وجود خودش باشد. دعای شریف مکارم الاخلاق را - که دعای بیستم صحیفه‌ی سجادیّه است - زیاد بخوانید تا ببینید آن چیزهایی که امام سجاد علیه‌السلام در این دعا از خدا خواسته است، چیست. بسیاری از این چیزها یا بسیاری از دعاهای دیگر را ما به عنوان اخلاق نیکو نمیشناسیم. مفاهیم و مضامینی که در همین دعای پنجم صحیفه‌ی سجادیّه هست... با کلمات ائمه، با دعاهای صحیفه‌ی سجادیّه، با این داروهای شفابخشی که میتواند بیماریهای اخلاقی ما را شفا بخشد و زخمهای وجود ما

۱. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران، ۱۳۸۴/۰۷/۲۹.

۲. بیانات در دیدار بسیجیان، ۱۳۸۵/۰۱/۰۶.

را درمان کند، خودمان را آشنا کنیم. قدر بدانید این دعا و توسل و تضرع و توجه و نورانیته که از این راه حاصل میشود. این همه چیز است.^۱

۵۳. کیمیای محبت الهی

در اخلاق طبیعی انسان (انسانی که تربیت نشده) ناسازگاری‌ها و ناهمواریهایی وجود دارد و وظیفه انسان این است که این ناملاتمت را از بین برده و اخلاق خود را به سمت متعادل متوجه سازد، مثلاً صفت دلیری خود را به سوی شجاعت سوق دهد و نگذارد که به صورت ذمیمه تهور درآید. این کار باید با شناسایی صفات و برنامه‌ریزی و ممارست و مجاهدت، انجام‌گیرد و تصمیم‌های مقطعی و زودگذر نتیجه‌ای ندارد. البته یک عامل وجود دارد که اگر در انسان پیدا شود انقلاب عجیبی در خلقیات انسان پیدا میشود و آن عامل کیمیای محبت الهی است که اگر دل انسان به سمت حق تعالی گرایش پیدا کند راه صد ساله را یک شبه میپیماید.^۲

۵۴. الگوسازی

یکی از شرائط^۳ این است که ما برای جوانه‌امان الگو داشته باشیم. ...الگوسازی، یکی از اساسی‌ترین کارهاست. ما الگوهای خوب خیلی داریم. اینقدر جوانه‌های خوب، اینقدر چهره‌های نورانی - در تاریخ که بماند - در زمان خودمان داریم که همین قدر کافی است با تعریف هر کدام از اینها - تعریف به معنای معرفی کردن - یک چهره‌ی برجسته و یک الگو جلوی جوانانمان بگذاریم. اینها جوانه‌هایی بودند که از پیشروان خودشان جلو افتادند؛ جوانه‌هایی که پای درس بنده و امثال بنده نشستند، اما صد پله از ما جلو رفتند؛ ما وعده کردیم، آنها عمل کردند؛ ما یاد دادیم، آنها عمل کردند؛ ولی خودمان عمل نکردیم. چقدر از این جوانه‌ها، چقدر از این شهدا کسانی بودند که از امثال

۱. بیانات در اجتماع بزرگ مردم قم، ۱۴/۰۷/۱۳۷۹.

۲. شرح حدیث، ۲۷/۱۰/۱۳۷۸.

۳. پیشرفت در اخلاق

ماها چیزی یاد گرفتند، اما آنها بهتر از ما شدند، جلوتر از ما شدند، بیشتر به کشور آبرو بخشیدند، پیش خدا بیشتر آبرو پیدا کردند؛ «چرا که وعده تو کردی و او بجا آورد»؛^۱ ...اینها را یکی یکی در بیابورند، بگذارند جلوی جوان نسل حاضر؛ غیرت او را، همت او را، صداقت او را، سلامت او را، فداکاری‌های او را، بینش والای او را، رفتار نیک او را با مردم، با هم‌نوعان، با پدر و مادر، با خانواده، با دوستان، بگذارند جلوی چشم جوان نسل امروز؛ خود این آموزنده است.^۲

۵۵. اهمیت دوران جوانی در پروراندن اخلاق

امام بزرگوار ما - آن‌گونه که من از بزرگان خودمان شنیده‌ام - از جوانی در این حرم مطهر حضرت معصومه عبادت میکرد. مرحوم آمیرزا جواد آقای تهرانی در مشهد، سالها قبل از انقلاب برای ما نقل میکرد؛ میگفت من رفتم قم به عنوان طلبه؛ حرم که مشرف میشدم، هر روز یک چهره‌ی نورانی، یک مرد محترم، یک جوان نورانی، یک سید نورانی را میدیدم که غرق در عبادت است. میگفت از نورانیت و عبادت او دل من مجذوب شد؛ پرسیدم ایشان کیاند؟ گفتند ایشان حاج آقا روح‌الله خمینی هستند. این مربوط به زمانی است که امام بزرگوار ما - این شخصیت برجسته - هنوز سی سال از عمرشان نگذشته بود. آری؛ همان عبادتها و همان توجهات و همان ارتباط و اتصال با معدن نورانیت غیب الهی و اولیای الهی، همین نتایج را هم دارد. این نورانیتی را که به خاطر جوانی در دل شماست، قدر بدانید و معتمد بشمارید.^۳

مهمترین مظهر قدردانی از جوانی همین است که از این صفا و نورانیت و از این نالودگی و پیراستگی طبیعی انسان جوان استفاده کنید و خود را در زمینه‌های تزکیه و اخلاق پیش ببرید. این ان‌شاء‌الله ذخیره همه زندگی شما خواهد شد. راهش هم رعایت دو نکته است: ذکر و توبه. ذکر یعنی یاد. یاد در مقابل غفلت است؛ غفلت از خدا، غفلت از وظیفه

۱. غزلیات حافظ

۲. بیانات در دیدار جمعی از معلمان سراسر کشور، ۱۳/۰۲/۱۳۹۱.

۳. بیانات در جمع اساتید، فضلا و طلاب حوزه علمیه قم در مدرسه فیضیه، ۱۴/۰۷/۱۳۷۹.

و مسؤولیت، غفلت از هنگام حسّاس مواجهه با مأموران الهی در عالم ملکوت - عالم بعد از عبور از جسمانیّت - و محاسبه بزرگ انسان در مقابل خدا در قیامت. این یادها تعیین کننده است. این طور نبوده که فقط به ما بگویند به قیامت معتقد باشید، برای این که اعتقادی مثل اعتقاد علمی داشته باشید؛ نه. برای این که این اعتقاد در زندگی و حرکت و تصمیم گیری ما تأثیر بگذارد، این یاد را در خودتان حفظ کنید. ... انذار پیغمبر و انذار الهی هم مفید به حال کسانی است که به دنبال یاد هستند و خود را از غفلت دور نگه میدارند.

نکته دیگر توبه است. ممکن است کسی بگوید ما که جوانیم و هنوز عمری از ما نگذشته که مثل شما گناه زیادی کرده باشیم و محتاج توبه باشیم. نه، این درست نیست؛ توبه وظیفه همیشگی انسان است. پاکترین انسانها هم باید توبه کنند. توبه یعنی برگشت به خدا، برگشت از راه خطا، توجّه دادن دل به پروردگار و رو را به طور کامل به خدا کردن. از امام سجّاد علیه السلام چه کسی پاکتر؟ شما به صحیفه سجّادیه از اوّل تا آخر نگاه کنید؛ ببینید چه حالی، چه سوز و گدازی و چه توبه‌ای در آن نهفته است... امام سجّاد علیه السلام به خدای متعال عرض میکند: پروردگارا! من بر نفس خودم که گاهی از فرمان تو سرپیچی کرده، خشمگینم. از تو راضیام و به خاطر سرپیچی نفس از تو شرمندهام. این راز و نیاز و سوز و گداز امام سجّاد علیه السلام است.

عزیزان من؛ جوانان! قدر جوانی را بدانید و این دل‌های پاک، این نورانیّت و این صفا را که به هر حال در شما وجود دارد، حفظ کنید. حتی گاهی اگر خطایی هم از جوانی سر میزند، مادامی که گناه متراکم نشده باشد، آن نورانیّت محفوظ است. البته هر یک گناه، بخشی از آن نورانیّت را کم میکند، که علاجش توبه است. برگشتن و توبه ما، ان شاء الله محبّت الهی را متوجّه ما خواهد کرد. این نکات را برای توجه دل‌های شما عرض کردم.^۱

۱. بیانات در دیدار دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۲/۰۲/۲۲.

فصل دهم: انقلاب اسلامی زمینه ساز تربیت اخلاقی فرد و جامعه

امام بزرگوار ما در یک حادثه‌ی مهم جنگی... در قضیه‌ی یکی از عملیات^۱ که پیروزی‌ای به دست رزمندگان آمده بود، یک پیامی دادند. در آن پیام این نکته وجود داشت که فتح‌الفتوح انقلاب اسلامی، تربیت این جوانهاست. همه توقع داشتند که امام بگوید این پیروزی‌ای که شما به دست آوردید، فتح‌الفتوح است؛ از آن پیروزی ستایش کند؛ امام نه، از رزمندگان تشکر کردند. اما گفتند فتح‌الفتوح انقلاب ما تربیت این جوانهاست که در آن شرایط دشواری که همه‌ی دنیا در مقابل ما با چهره‌ی دژم و سلاح آماده‌ی شلیک ایستاده بودند، اینها توانستند یک چنین پیروزی بزرگی را به دست آورند.^۲

۱. عملیات طریق القدس

۲. بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در ششمین همایش ملی نخبگان جوان، ۱۳۹۱/۰۷/۱۲.

۵۶. قوت

این شهدای جوان، این رزمندگان جوان، این دست‌اندرکاران جوان عرصه‌های جنگ، چیزی نیست که اهمیت نسل جوان را در حادثه‌ی سرنوشت‌سازی مثل جنگ از نظر دور بدارد. این حادثه اتفاق افتاد، اما چشم‌های طراحان استکبار جهانی همه‌ی صحنه را دید و فهمید که جوان مؤمن در این کشور، زیر تربیت اسلام انقلابی، چه معجزه‌ها میکند.^۱

امروز جوانان ما - در دنیایی که نسل جوان روز به روز، رو به فساد بیشتر می‌رود - در این مملکت، روزبه‌روز پاکیزه‌تر، طاهرتر و نورانی‌تر میشوند. ... این کشور و این جوانان، این دانشگاه، این دانشجو و این استاد دانشگاه و نیز این طبقات گوناگون مردم ... همه سعی میکنند به خدا نزدیک شوند، و خودشان را بیشتر با اسلام و احکام اسلامی منطبق کنند ... نظام اسلامی آن چنان جوانان را تربیت کرده و آن چنان حکومتی آورده است که وقتی همه دنیا از فسادهای اخلاقی رنج می‌برند، اینها درامانند. در کشور بزرگ امریکا، بسیاری از مصلحین و متفکران و مردان روحانی، فریادشان از فساد است که در آن‌جا حاکم است، بلند است، همه می‌نالند و راه علاجی پیدا نمیکنند؛ اما نظام جمهوری اسلامی در چنین شرایطی توانسته است محیطی امن و امان برای نسل جوان به وجود آورد.^۲

ما در زمینه‌ی دور کردن مردم از فحشا و فساد، اندکی به اسلام نزدیک شده‌ایم. جوانان ما، به سلامت و عافیت معنوی و روحی نایل شده‌اند و از پوچی و فساد اخلاقی و تردیدها و دل‌زدگی‌های زندگی، آسوده و رها گردیده‌اند.^۳

امروز بعد از آنکه دعوتهای غیرالهی و مادی، چه دعوت مارکسیزم، که یک روزی دنیا را به خود متوجه کرده بود، چه دعوت مکاتب به‌اصطلاح انسان‌گرایانه و لیبرالیسم، که تمدن را در بسیاری از مناطق عالم در قبضه‌ی خود گرفته است، نشان دادند که نمیتوانند

۱. بیانات در دیدار جمعی از دانش‌آموزان و دانشجویان، ۱۳۷۰/۰۸/۱۵.

۲. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه، ۱۳۷۶/۱۰/۱۲.

۳. بیانات در دیدار مردم قم، ۱۳۶۸/۱۰/۱۹.

سعادت بشر را تأمین کنند، دلها به سوی اسلام متوجه است. هر جا صدای عدالت و عدالت خواهی بلند میشود، این صدای اسلام است، ولو آن کسانی که این فریاد را سر میدهند، ندانند این از کجاست؛ هر جا ندای کرامت انسان بلند میشود، این ندای اسلام است، ندای ادیان است؛ و البته کانون این همه، مرکز اسلام و مرکز ایمان و هر جائی است که در آن، قرآن مورد اعتقاد و ایمان قرار داشته باشد؛ طبعاً دشمنی دشمنان اسلام و قرآن هم با آنجا بیشتر است؛ امروز این را دارید مشاهده میکنید.^۱

در مقابل سترون و نازا بودن غرب در برون زائی اندیشه‌های نو - که بعد از اومانیسم و مکتبهای که متکی به اومانیسم هستند و فلسفه‌های زائیده و منشأ گرفته‌ی از اومانیسم غربی، دیگر غرب زایش فکری نداشته و ایده‌ی نو برای بشر و حیات انسان ارائه نداده - جمهوری اسلامی دارای زایش فکری است. ما برای مسائل روحی انسان ... حرفهای تازه‌ای داریم. ... ما امروز ... در زمینه‌ی مسائل عمومی اجتماعی، «ابتناء تمدن بر معنویت» را ارائه میکنیم؛ در زمینه‌های گوناگون، «کرامت انسان» را مطرح میکنیم؛ «آمیختگی دین و زندگی» را مطرح میکنیم. اینها حرف نوئی است؛ اینها هیچ وقت در دنیا وجود نداشته.^۲

شعار کرامت انسانی همچنان زنده است؛ اینها متعلق به اسلام است؛ اینها متعلق به جمهوری اسلامی است. ... امروز ملتها و روشنفکران مسلمان این حرفها و این حوادث را مبینند و آنها را مطالعه میکنند و نگاهشان به ایران است؛ نگاهشان به حرکت شماست.^۳

۵۷. ضعف

ما به موازات علم، به موازات پیشرفتهای علمی، پیشرفت اخلاقی و تزکیه‌ی اخلاقی و نفسی پیدا نکرده‌ایم؛ این عقب ماندگی است. البته امروز در مقایسه‌ی با قبل از انقلاب،

۱. بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی، ۱۳۹۲/۰۳/۱۷.

۲. بیانات در دیدار اساتید دانشگاهها، ۱۳۹۱/۰۵/۲۲.

۳. بیانات در دیدار مردم قم در سالروز قیام نوزده دی، ۱۳۸۴/۱۰/۱۹.

به مراتب بهتر است - در این هیچ شکی نیست - اما باید پیشرفت میکردیم. در علم پیشرفت کردیم، در سیاست پیشرفت کردیم؛ باید در معنویت و در تزکیه‌ی نفس هم پیشرفت میکردیم. در قرآن هر جا تزکیه و تعلیم از زبان پروردگار است، تزکیه مقدم است بر تعلیم؛ آن هم تعلیم کتاب و حکمت «يُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ»^۱ فقط یک جا از زبان حضرت ابراهیم، تعلیم مقدم است. بنابراین ما از تزکیه‌ی اخلاقی و نفسی غفلت کردیم.^۲

۵۸. چشم‌انداز انقلاب اسلامی در عرصه اخلاق

اگر جمهوری اسلامی میخواهد پرچم اسلام را در دست بگیرد، میخواهد خودش به سعادت برسد، دنیا و آخرت خود را آباد کند - همچنان که قرآن به ما یاد میدهد که میتوان دنیا و آخرت را با هم آباد کرد و باید این کار انجام بگیرد - اگر می خواهد به ملت‌های دیگر کمک برساند، که «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ»^۳، شاهد و مبشر ملت‌های دیگر باشد، خب، طبیعتاً نیازهایی دارد: باید انسان‌های شریف، دانا، با استعداد‌های جوشان، دارای ابتکار، دارای اخلاق نیک انسانی، دارای شجاعت، قوت خطرپذیری، ورود در میدان‌های جدید، بدون هیچگونه عقده‌ی خودکم‌بینی یا خودبرتری‌بینی، انسان‌های دل‌داده‌ی به خدای متعال و متکی به قدرت الهی و دارای توکل کامل، انسان‌های صبور، انسان‌های بردبار و حلیم، انسان‌های خوشبین و انسان‌های امیدوار تربیت کنید.^۴

اگر ما بتوانیم در میان خودمان، این دو رکن - یعنی علم و عمل، تعلیم و تربیت و کار و ابتکار - را توسعه دهیم و در این دو زمینه، پیشرفتی محسوس در کشور به وجود آوریم - که بحمدالله امروز تا حدود زیادی هم شده است - حرکت کشور به سمت هدف‌ها سریع

۱. سوره مبارکه آل عمران، آیه ۱۶۴. و سوره مبارکه الجمعة، آیه ۲. (آنها را پاکیزه کند، و کتاب و حکمت بیاموزد.)

۲. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه، ۱۳۹۰/۱۱/۱۴.

۳. سوره مبارکه آل عمران، آیه ۱۱۰. (شما بهترین امتی هستید که برای مردم پدیدار شده اید.)

۴. بیانات در دیدار جمعی از معلمان سراسر کشور، ۱۳۹۰/۰۲/۱۴.

خواهد شد، مشکلات برطرف خواهد گردید و آن چیزی که انقلاب عظیم ما برای ایران اسلامی ترسیم کرده است، نزدیک خواهد شد.^۱

در نظام اسلامی... نقشه این است که در این کارگاه عظیم، انسانهایی... [که] از لحاظ استعداد، برجسته باشند؛ از لحاظ اخلاق، پاکیزه باشند؛ از لحاظ اقدام، شجاع باشند؛ از لحاظ فکر، دارای تدبیر باشند... مردمانی مستقل، دارای فکر، دارای ابتکار، دارای روح خلاقیت، پرهیزگار، پاکدامن، نظم‌پذیر، قانون‌پذیر، اهل اقدامهای بزرگ و آرمان طلب باشند... تربیت شوند.^۲

ما بایستی کاری کنیم که اخلاق اسلامی در جامعه رائج شود. وقتی می‌گوئیم انقلاب اسلامی، خوب، اسلام یک بخش اخلاق است. پس بایستی رسالت اخلاقی انقلاب در جامعه تحقق پیدا کند.^۳ پیرایش چهره‌ی فرهنگی کشور، یکی از مسائل عمده‌ی ماست. چهره‌ی فرهنگی کشور باید چهره‌ی نورانی، اسلامی و کاملاً منطبق با فضیلت‌های اخلاق اسلامی باشد؛ این یکی از خلأهای ماست.^۴ اگر دنبال عدالت اجتماعی نباشیم، وجود ما پوچ و بیهوده است و جمهوری اسلامی معنی ندارد. باید عدالت اجتماعی را تحقق ببخشیم؛ باید ارزشهای اسلامی را در جامعه پیاده کنیم؛ باید جامعه را، جامعه‌ی دینی و اسلامی کنیم.^۵

امروز ما نهایت نیاز را به این تربیت اخلاقی داریم؛ هم ما مردم ایران، جامعه‌ی اسلامی در این محدوده‌ی جغرافیائی، هم در همه‌ی دنیای اسلام؛ امت بزرگ اسلامی، جوامع مسلمان. این‌ها نیازهای اول ماست.^۶ اگر ما از لحاظ اقتصاد به بالاترین مقام برسیم و از لحاظ سیاست، همین اقتدار و عزتی را که امروز داریم، چند برابر کنیم، ولی اخلاقهای

۱. بیانات در دیدار جمعی از کارگران و معلمان، ۱۳۷۶/۰۲/۱۰.

۲. بیانات در دیدار معلمان، ۱۳۸۶/۰۲/۱۲.

۳. بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۰/۰۳/۲۳.

۴. بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی، ۱۳۸۵/۰۲/۲۹.

۵. بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۸۳/۰۸/۰۶.

۶. بیانات در سالروز عید سعید میثاق، ۱۳۸۸/۴/۲۹.

مردم ما، اخلاقیهای اسلامی نباشد؛ در میان ما گذشت، صبر، حلم و خوش‌بینی نباشد، اساس کار از بین خواهد رفت. اساس کار، اخلاق است. همه‌ی اینها مقدمه‌ی اخلاق حسنه است - بُعِثْتُ لَأْتُمَّ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ^۱ - حکومت اسلامی برای این است که انسانها در این فضا تربیت شوند، اخلاق آنها تعالی پیدا کند، به خدا نزدیکتر شوند و قصد قربت کنند.^۲

نظام اسلامی فقط به این اکتفا نمی‌کند که زندگی اقتصادی و مادی مردم را آباد کند. این یکی از وظایف حتمی اوست؛ اما در کنار این وظیفه، اقامه‌ی معروف، اقامه‌ی روح دینی، استقرار اخلاق اسلامی، استقرار روح برادری و صمیمیت در میان همه‌ی آحاد ملت و احیای روح عزت و استقلال - روحیه‌ای که مانع از آن شود که یک ملت تن به پستی و سستی و ذلت دهد - نیز جزو وظایف اسلامی است. پیغمبر عظیم‌الشأن اسلام در هر نشست و برخاستی، بر روی یکایک مردمی که با او روبه‌رو میشدند، اثر می‌گذاشت و انسانها را، هم در سایه‌ی استقرار نظام اسلامی و هم با تربیت فردی، منقلب و متحول میکرد. تحول انسان، اساس همه‌ی تحولات عالم است.^۳

نگاه نسل نو و همه‌ی کسانی که نیروی جوانی را در خدمت به اهداف و آرمانهای بلند می‌خواهند، باید به آینده‌های روشن و دور باشد - فقط جلوی پای خودمان را نبینیم - آینده‌ی دور، ایجاد تمدن اسلامی است؛ تمدن نوین، متناسب با نیازها و ظرفیتهای امروز بشریتی که از حوادث گوناگون قرنهای اخیر زخم خورده است، مجروح است، غمگین است و نسلهای جوان آن دچار یأس و نومیدی و افسردگی اند. اسلام میتواند این نسله‌ها را به آفاق جدیدی برساند، دل‌های آنها را شاد کند و آنها را آن‌چنان که متناسب و شایسته‌ی کرامت انسان است، کرامت ببخشد.^۴ در نظام جمهوری اسلامی، تکریم شأن انسان - که یکی از ویژگیهای اسلام است - ارزش دادن به انسان، رشد دادن انسان،

۱. بحارالانوار، ج ۶۷، ص ۳۷۲.

۲. بیانات در دیدار جمعی از روحانیون، ۱۳۷۰/۰۲/۰۲.

۳. بیانات در جمع نیروهای بسیجی شرکت‌کننده در اردوی رزمی - فرهنگی علویون، ۱۳۸۰/۰۸/۲۱.

۴. بیانات در دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین علیهم‌السلام، ۱۳۹۳/۲/۳۱.

انسان را در کار شایسته‌ی خودش به کار گرفتن و نیروهای او را در خدمت اهداف متعالی جوشاندن، یکی دیگر از گرایشهای اصولی است.^۱

معنای شعار دولت اسلامی این است که ما میخواهیم اعمال فردی، رفتار با مردم، رفتار بین خودمان، و رفتار با نظامهای بین‌المللی و نظام سلطه‌ی امروز جهانی را به معیارها و ضوابط اسلامی نزدیکتر کنیم.^۲

۱. بیانات در دیدار مسئولان صدا و سیما، ۱۳۶۹/۰۵/۰۷.

۲. بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت، ۱۳۸۴/۰۶/۰۸.

خاتمه

اخلاق دینی یک محیط تنفس است که اگر این محیط، وجود داشته باشد، هر پدیده‌ای، بر حسب ظرفیت وجودی و اقتضای خودش، معنای درست خودش را خواهد داد. اگر این محیط تنفس وجود نداشته باشد، نه علم، نه سیاست، نه کسب و کار، نه هیچ چیزی از پدیده‌های جمعی زندگی بشر، معنای خودش را نخواهد داد.^۱

روزی که غرب در دوره‌ی رنسانس، علم و سیاست و روش زندگی را از دین جدا کرد، می‌خواستند به جای بهشتی که ادیان به انسانها وعده می‌دهند، در دنیا برایشان بهشت بسازند. این بهشت، امروز به جهنم تبدیل شده.^۲ امت اسلامی، پیشرو علم و مدنیت و اخلاق در دورانه‌ی تاریخ بود. امروز امت اسلامی دچار تفرقه است، دچار ضعف است، دچار عقب ماندگی است.^۳ امت اسلامی از وقتی دین و اخلاق را از مدیریت جامعه جدا کرد، دچار اختلال شد.^۴

هدف انقلاب عبارت بود از ساختن یک ایرانی با این خصوصیات: ...مستقل، آزاد، برخوردار از ثروت و امنیت، متدین و بهره‌مند از معنویت و اخلاق، پیشرو در مسابقه‌ی جامعه‌ی عظیم بشری در علم و بقیه‌ی دستاوردها، ...برخوردار از آزادی با همه‌ی معانی آزادی؛ ...هم آزادی اجتماعی ... و هم آزادی معنوی، که آن رستگاری انسان و تعالی اخلاقی انسان و عروج معنوی انسان است، که هدف اعلی، این است. همه‌ی کارها مقدمه برای تکامل انسان و عروج انسان است.^۵

ادامه ی مطلب را در دفتر بعدی - دفتر بیست و هفتم - از مجموعه چهل جلدی " رهنامه ی امین" پی بگیرید که به موضوع «شهروند تراز انقلاب» در نگاه رهبر فرزانه انقلاب اختصاص یافته است.

۱. بیانات در دیدار اعضای «کنگره اخلاق پزشکی»، ۱۳۷۲/۰۴/۲۱.

۲. بیانات در دیدار دانشگاهیان استان کرمان، ۱۳۸۴/۰۲/۱۹.

۳. بیانات در دیدار گروههای مختلف مردم، ۱۳۸۵/۰۵/۱۷.

۴. بیانات در دیدار مسئولان نظام، ۱۳۸۵/۰۵/۳۱.

۵. بیانات در دیدار با اساتید و دانشجویان دانشگاههای شیراز، ۱۳۸۷/۰۲/۱۴.

منابع برای مطالعه بیشتر

یک) جمعی از نویسندگان. مقالاتی از اندیشه‌نامه‌ی انقلاب اسلامی: تبیین اندیشه‌ی انقلاب اسلامی از منظر حضرت امام خمینی (قدس سره) و حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) - جلد اول. تهران: نهضت نرم‌افزاری وابسته به انتشارات انقلاب اسلامی. مدخل «اخلاق». ۱۳۹۸.

دو) **تعلیم و تربیت از دیدگاه رهبر معظم انقلاب حضرت آیت‌الله خامنه‌ای**. تهران: تربیت اسلامی وابسته به معاونت پرورشی وزارت آموزش و پرورش.

۱۳۸۵

سه) خسروپناه، عبدالحسین و دیگران. (۱۳۹۶). **منظومه فکری آیت‌الله العظمی خامنه‌ای: نظام پیشی، منشی و کنشی**. جلد اول. تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.